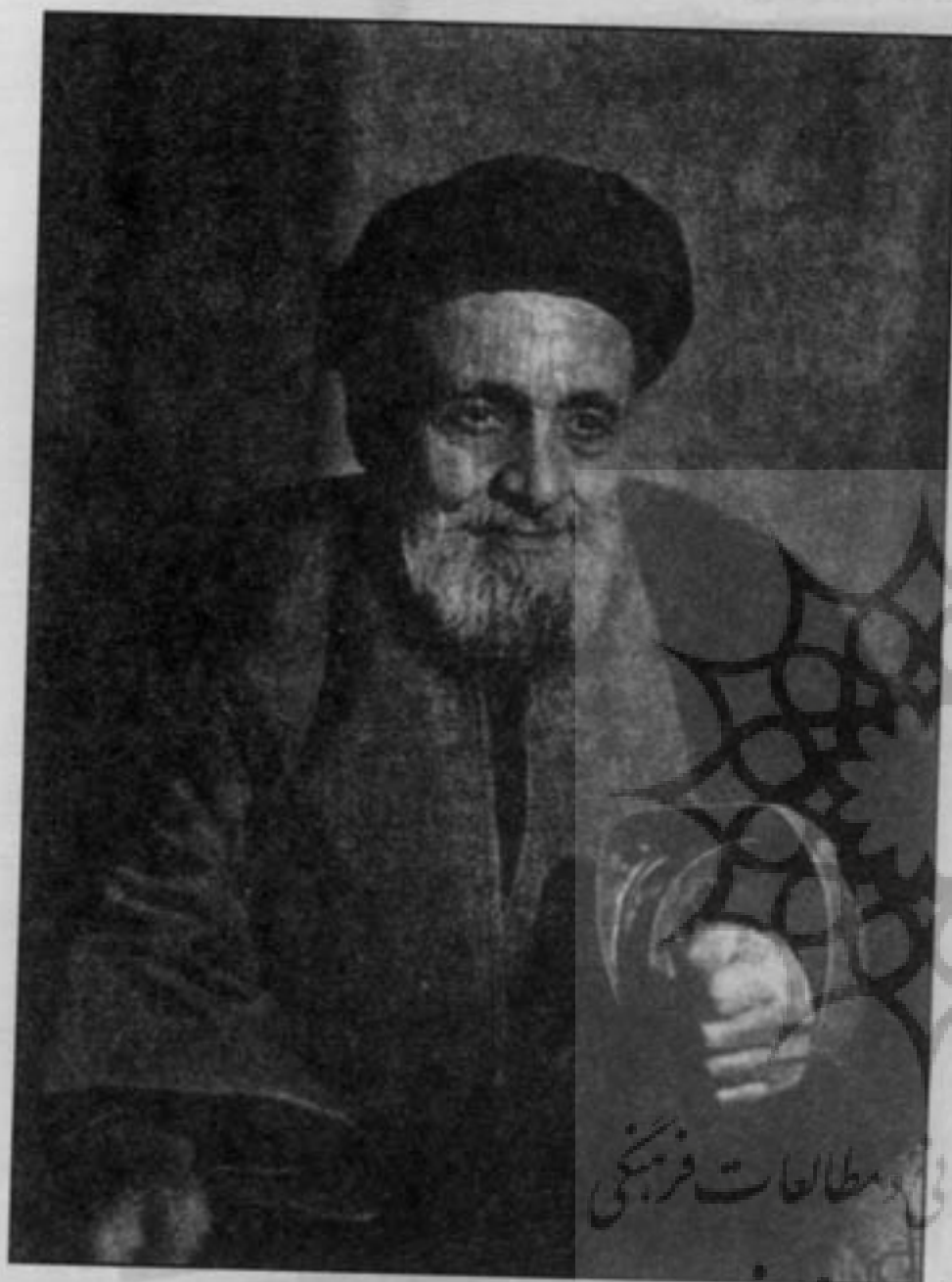


تیرماه خونین!

علی فقیهی محمّدی



تیرماه هر سال یادآور حماسه‌ای خونین و بیادماندنی از تاریخ مبارزات این ملت مبارز، خداجوی و مسلمان است که سال‌ها پس از انقلاب مشروطه و در راستای احقاق حقوق حقه خود در تعیین سرنوشت و منافع ملی کشور، برای چندمین بار توانست الگویی صحیح و کارساز از مبارزه‌ای مردمی علیه استعمار و استبداد را به ملت‌های رنج کشیده از این دو آفت مهلک ارائه نماید. در سال ۱۳۳۱، واپسین روزهای این ماه، چون بسیاری از ایام طوفان خیز در سیر تاریخ‌مندی این سرزمین کهن، به خون مردان و زنان، جوانان و کودکانی آغشته شد که با دستهایی پینه‌بسته و تن‌هایی رنجور از تازیانه ظلم و تبعیض در کوچه‌ها، خیابان‌ها و میادین تهران و بسیاری دیگر از شهرهای دور و نزدیک، با خون خود، شعارهای اصلی و بنیادین نهضت را بر سنگفرش تفتیده خیابان‌ها نقش کردند.^۱

قیام ملی سسی تیر که به فاصله چند دهه پس از انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست، در واقع دنباله مبارزات پرشوری است که از شهریور ۱۳۲۰ آغاز شد و این بار نقطه عطفی در مبارزات نهضت ملی شدن صنعت نفت و یکی از جنبش‌های اصیل سیاسی - اجتماعی - دینی تاریخ معاصر و اوج تجلی اراده مستقیم مردم در تأسیس دولتی مبتنی بر خواست ملت بود. اما علیرغم نزدیکی این واقعه به زمان ما، به دلیل رخداد آن در دوران ستم شاهی و نزدیکی زمانی آن با کودتای ۲۸ مرداد، خیلی زود در محاق سانسور، پرده‌پوشی و تحریف قرار گرفت. این مبارزات که یکی از مهمترین فصول تاریخ اخیر ماست، عمدتاً بر دوش قشرهای اسلامی قرار داشت و نهال آزادی را با خون مردم مسلمان آبیاری کرد، اما پس از اینکه به پیروزی کامل رسید، دچار توطئه‌های مختلف و رنگارنگ و پیچیده عوامل شرق و غرب و بویژه استعمار کهنه‌کار انگلیس شد. این توطئه‌ها آن چنان دقیق بود که بسیاری از مردم از عمق آنها آگاه نشدند تا سرانجام در راستای آن تلاش‌ها و تحریکات و ترفندها، کودتای سیاه ۲۸ مرداد را بر مردم ما تحمیل کردند. تحریف و دگرگون جلوه دادن نقش نیروهای مذهبی و بخصوص مخدوش کردن و تخریب و ترور شخصیت برجسته آیت‌الله کاشانی،^۲ آنچنان با مهارت پی گرفته شد که حتی برای بسیاری از افرادی که در جریانات سیاسی روز وارد نیز بودند امکان دست‌یابی به عمق حقایق فراهم نشد. مزدوران استعمار و فراماسون‌ها - که در تمام دستگاه‌های مملکت و تمامی بخش‌های آن رخنه داشتند، با همکاری عوامل امپریالیسم امریکا و توده‌ای‌های نفتی، طوفانی سهمگین از تبلیغات جهت‌دار و یک‌سویه به راه انداختند با این هدف که برای مردم، امر مشتبه گردیده، به زعم آنان اعتبار رهبران

مذهبی در جامعه کاهش یابد.

حاکمان پس از کودتای امریکایی - انگلیسی، مجال، اجازه و امکان بررسی، تحقیق و پژوهش در این خصوص را به هیچکس ندادند و این چنین شد که علیرغم حیات بسیاری از افراد ذریبط و ذیدخل در وقایع آن ایام تاریخ‌ساز، بیش از ربع قرن در این باره گفتن و نوشتن و سرودن متوقف ماند و هر آنچه که از اسناد و مدارک و تحلیل‌ها و گزارشات در این باره، در حال حاضر مکتوب و مدون گردیده، نتیجه و حاصل تلاش‌های تعداد معدودی از مطلعین و آگاهان به این ماجراست، که عمدتاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی فرصت و امکان نشر یافته است.

نهضت سسی تیر ۱۳۳۱، علیرغم ابعاد مختلف و متنوعی که یافت و علیرغم انگیزه‌های چندگانه مقدسی که داشت و نیز دستاوردهای بسیار ارزشمند و تاریخ‌ساز آن، با موضوع ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از استعمار پیر انگلیس که در قالب شرکت نفت انگلیس، سال‌های



انجامید) تنها منتج به ارائه لایحه «گس - گلشائیان»^{۱۰} از سوی دولت ساعد به مجلس پانزدهم (در روز پایانی دوره قانونی) با قید یک فوریت شد. که در راستای مطالبات مردم نبود. این لایحه که به «لایحه الحاقی گس - گلشائیان» معروف شد، با هدف اعتبار بخشیدن به قرارداد رسوای ۱۹۳۳ تنظیم شده بود، اما با

تلاش‌ها و مقاومت اقلیت معدود نمایندگان آزادی‌خواه در آن دوره مجلس به تصویب نرسید^{۱۱} و دوره قانونی مجلس تمام شد.

- پس از پایان دوره پانزدهم، مرحله جدیدی از مبارزات ملت آغاز می‌شود، مردم تصمیم گرفته بودند مخالفان انگلستان و شرکت نفت انگلیس را به مجلس بفرستند و در مقابل، لندن و عوامل داخلی آنها در تلاش برای ممانعت از این کار، این مبارزه با ترور عبدالحسین هژیر وزیر دربار و عامل سرسپرده انگلیس به دست مجاهد شهید سیدحسین امامی، عضو فدائیان اسلام به اوج رسید و در سایه این تلاش‌ها، جبهه ملی - که در اول آبان ۱۳۲۸ اعلام موجودیت کرده بود - توانست ۸ تن از نمایندگان خود را (از تهران ۷ نفر و از کاشان یک نفر) به مجلس بفرستد.^{۱۲} آیتا... کاشانی نیز علیرغم این که در تبعید (لبنان) به سر می‌برد از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد و در خرداد ۲۹ با استقبال پرشکوه مردم - که در میان آنها مصدق و سایر نمایندگان جبهه ملی نیز حضور داشتند - وارد تهران شد.

- در اواخر خرداد ۲۷، کابینه حکیمی ناگهان استعفا کرد و دو روز بعد هژیر مأمور تشکیل کابینه شد اما او در بستن قرارداد جدید با شرکت نفت به موفقیتی دست پیدا نکرد و علت آن مخالفت شدید آیت‌الله کاشانی با او بود.^{۱۳}

- پس از استقرار مجلس شانزدهم، در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۲۹ - با آن همه اقتضای انتخاباتی که تحت هدایت مستقیم عمال و کارگزاران فرمانبر انگلیس صورت گرفت - کمیسیون خاص مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان^{۱۴} برای بررسی و اعلام نظر در مورد قرارداد^{۱۵} ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی مأموریت یافت. در همین روز نخست وزیر - منصور - که محرز شده بود نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از قرارداد الحاقی دفاع نماید مستعفی (یا واردار به استعفا گردید) و بلافاصله در روز ششم تیرماه، بدون رأی تمایل قبلی مجلس، فرمان نخست وزیری رزم‌آرا، دیکتاتور قلدر مآب توسط شاه (و در وقع بخواست انگلیس) صادر شد. این کمیسیون به ریاست دکتر مصدق به بررسی‌های دقیق و کارشناسانه‌ای در موضوع نفت پرداخت و در نهایت پس از ۲۵ جلسه به عنوان نتیجه کار، لایحه ملی شدن نفت به مجلس ارائه گردید.

- به موازات این اقدامات، به ابتکار و تلاش نمایندگان عضو فراکسیون وطن، در شهریور ۱۳۲۹، رزم‌آرا (نخست وزیر وقت پس از

طولانی منابع سرشار و سهل‌الوصول این کشور را به غارت می‌برد، عجبین گردیده است. ماجراهای بعدی که بخصوص پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در راستای تلاش‌های استعمار و حامیان داخلی‌اش، در تسلط مجدد بر منابع ارزشمند انرژی خاورمیانه و بویژه ایران روی داد و نیز توطئه‌ها و دسایس متعدد آنها در تحریف واقعیات این مبارزات برحق، بر اهمیت این امر که ملی شدن نفت در ایران، تا چه اندازه بر تحولات، آگاهی‌ها و سیر مبارزات مهم مردم منطقه و دیگر نقاط جهان تأثیر داشته، تأکید می‌نماید.^۲

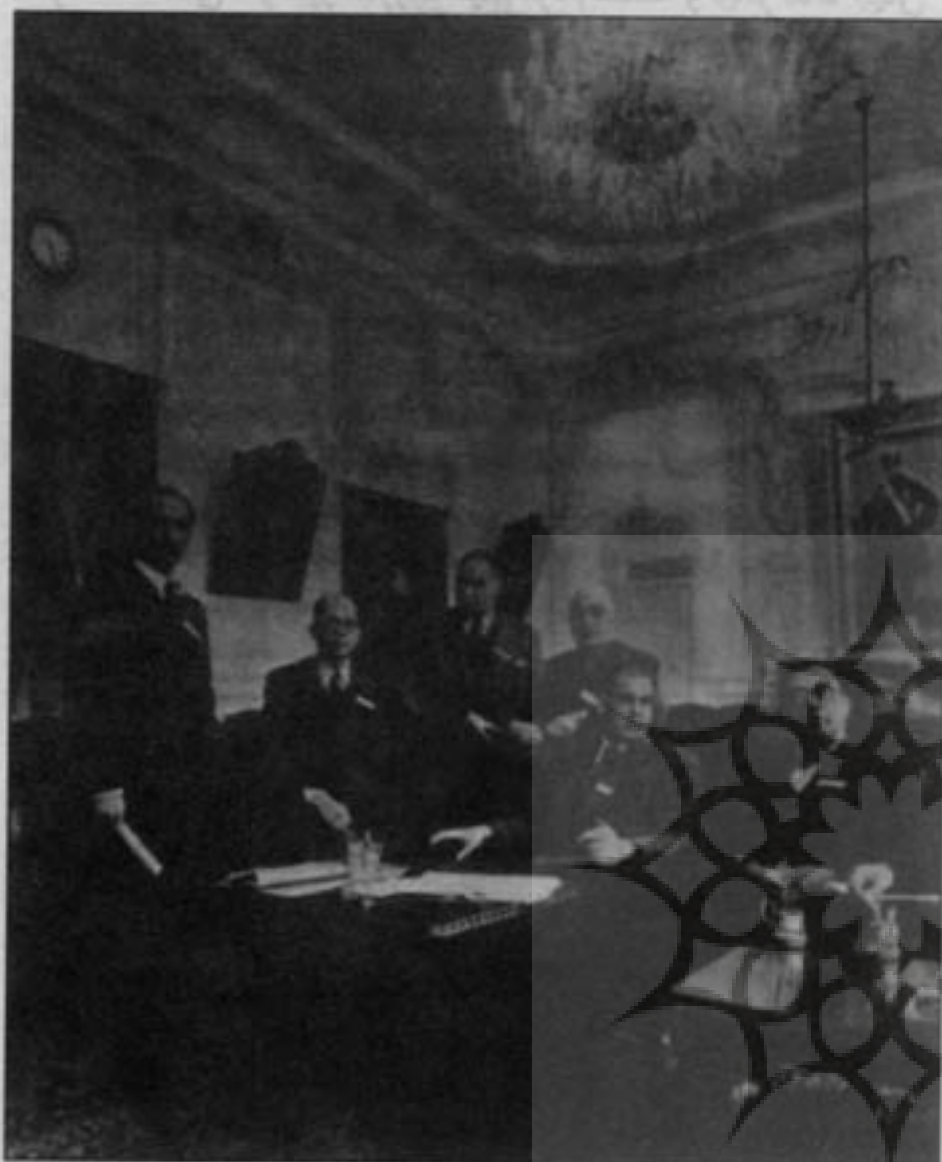
شاید تا آن زمان، به جز مبارزین ملی، کمتر کسی در کشورهای هم‌جوار (و شاید سایر مناطق) و حتی خود کشور ما به چنین باور و اعتقادی رسیده بود که می‌شود چنین صنعت مهم، تخصصی و ارزش‌آوری را بی‌مدیریت و دخالت متخصصین انگلیسی یا امریکایی اداره کرد.^۳ آن هم در میان مخالفت‌ها و کارشکنی‌های وابستگان استعمار^۴ و دشمنان. رسیدن ملت‌ها به این باور، خود می‌توانست برای استعمارگران خطرساز باشد و منافع حیاتی آنها را تهدید کند و چنین شد که حتی پس از پیروزی نهضت سی تیر در گام‌های نخست مبارزه، باز هم شاهد تداوم سیاست‌های کینه‌توزانه و سلطه‌طلبانه آنها در تحریف، تغییر و تبدیل واقعیات‌های این رویداد عظیم بوده‌ایم. این مقاله، مجال پرداختن به این بخش از ماجرا را ندارد و علاقه‌مندان را به اسناد، مدارک، مقالات و کتاب‌های متعدد تألیف شده در این باره از جمله کتاب‌های: جنگ نفت از محمود محمود/ جنگ سرد نفت/ جنگ سری/ طلای سیاه (ابوالفضل لسانی) کتاب جاسوسی انگلیس (که به زبان فرانسه منتشر شد ولی از طرف انگلیسی‌ها با شتاب جمع‌آوری شد)^۵ / نفت برای جنگ و نفت برای صلح/ نفت و دولت در خاورمیانه/ جنگ تحمیلی برای نفت/ بحران عالم/ نیرنگ بازان نفت/ نفت و مجلس پانزدهم/ کتاب سیاه (هفت جلد)/ نظریات پروفیسور ژیدل/ اسناد نفت/ پنجاه سال نفت/ جزوات رادیو ایران در زمان مصدق و... بخصوص هفت جلد «کتاب سیاه»^۶ تألیف حسین مکی ارجاع می‌دهد.

اما برای بررسی و مرور حوادث و رخداد‌های مربوط به قیام ملی سی تیر، ناگزیر باید به بخش‌هایی از علل و انگیزه‌های متعدد مبارزات وسیع و گسترده مردم توجه کرد.

- با تلاش‌های دکتر مصدق (به ویژه نطق‌های مفصل او) و معدود وکلای آزادی‌خواه و با حمایت مستقیم آیت‌الله کاشانی علیه قرارداد ۱۹۳۳ و عاقدان آن (رضاشاه، تقی‌زاده و...) و تحت هدایت مستقیم افکار عمومی^۷ و مطالبات مردمی آگاه و در صحنه، علیرغم توطئه‌های انگلیس و عمال داخلی‌اش^۸ مجلس پانزدهم با تصویب لایحه‌ای، واگذاری هر امتیازی از منابع نفتی به بیگانگان را ممنوع کرد. (مهرماه ۱۳۲۶) (سند شماره ۱)

- این مصوبه در واقع قرارداد ذلت بار «قوام - سادچیکف» را کان لم یکن کرد^۹ و بر مبنای آن، دولت موظف شد برای استیفای حقوق ایران، با مسئولین و نمایندگان شرکت نفت انگلیس به مذاکره بنشینند. (سند شماره ۲) اما این مذاکرات طولانی (که حدود ۲ سال بطول

هدایت آیت الله کاشانی در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۲۴، ماده واحده «ملی شدن نفت»^{۱۹} در مجلس شورای ملی تصویب شد. (سند شماره ۳)
 - در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ طرح سه فوریتی ترتیب اجرای اصلی ملی شدن صنعت نفت در ۹ ماده به تصویب مجلس رسید (سند شماره ۴)
 در پی این امر حسین علاء نخست وزیر فراماسونر وقت، که خود را قادر به ایستادن در مقابل ملت و حفظ منافع انگلیس نمی دید استعفا داد.



نمایندگان عضو فراکسیون نهضت آزادی

در این ایام تحرکات و توطئه‌های متعددی برای تضعیف روحیه ملت مبارز از سوی دشمنان و عمال مزدور آنها اجرا می شد. حزب توده به مخالفت علنی با ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور پرداخته و در ظاهر تنها با ملی شدن نفت در جنوب موافقت داشت. آنها دکتر مصدق و یارانش را عامل جیره خوار امپریالیسم امریکا می نامیدند و شدیدترین حملات را به آنها در روزنامه های وابسته به خود (بسوی آینده - شهباز - چلنگر - رزم - مردم، ظفر، طلوع - فرمان - آتش) انجام می دادند. اما مبارزات و اعتراضات مردم نیز، نسبت به حکومت های دست نشانده انگلیس، بالا گرفت تحت فشار افکار عمومی، مجلس علیرغم مخالفت تعداد زیادی از نمایندگان، به نخست وزیر مصدق رأی تمایل داد. (۳۰/۲/۷) در جلسه بعدی (۱۲ اردیبهشت) مصدق، کابینه و برنامه دولتش را که در دو اصل ذیل خلاصه می شد، به مجلس ارائه نمود:

- ۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت
- ۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداری ها

دولت های ساعد و علی منصور) به دلیل کوتاهی در استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت انگلیس، استیضاح شد. در جریان استیضاح، افکار عمومی بیش از پیش به آگاهی های عمیق و گسترده ای از جنایات شرکت انگلیسی و آثار زیان بار این غارت و چپاول، دست یافت.^{۱۶}
 - ساعت ۱۱ صبح روز ۱۳۲۹/۱۲/۱۶ سپهبد رزم آرا، حامی امپریالیسم انگلیس و مهره اصلی او، که سعی و تلاش همه جانبه برای تصویب قرارداد الحاقی داشت و در مجلس به تمامی ملت اهانت کرده بود، در صحن مسجد شاه (امام «ره»)) هدف گلوله های قهرمان راه وطن و اسلام، استاد خلیل طهماسبی (عضو فدائیان اسلام) قرار گرفت و جان سپرد. و به این ترتیب از صحنه سیاست خارج شد. رئیس وقت مجلس دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) بیانات آقای رئیس دائر بابر از تاسف از قتل مرحوم رزم آرا

...

مجلس ساعت ده و چهل دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- ...

۲- بیانات آقای رئیس دائر بر ابراز تاسف از قتل مرحوم رزم آرا

رئیس - خاطر آقایان نمایندگان محترم از واقعه ناگوار دیروز قتل مرحوم مغفور رزم آرا نخست وزیر مطلع شده است یقین دارم تمام آقایان از این عمل زشت که ترور باشد کمال انزجار را دارند (صحیح است - صحیح است) تاسف و تأثر خود و نمائندگان را در این حادثه اظهار می دارم و از درگاه خداوند می خواهم که روح آن مرحوم را غریق رحمت نماید.

(رضا حکمت) از این حادثه بطور مختصر یاد و اظهار تأسف کرد.^{۱۷}
 - تحت فشار افکار عمومی و مبارزات همه جانبه آزادی خواهان^{۱۸} در مجلس به رهبری مصدق و در سطح جامعه با



نمایندگان هیئت مختلط و هیئت موقت: از راست به چپ: مهندس بازرگان، دکتر علی آبادی، مهندس بیات، ناصر قلی اردلان، حسین مکی

- مجلس شورای ملی با ۹۹ رأی سفید (از ۱۰۲ نماینده حاضر در جلسه) به دولت دکتر مصدق و برنامه‌های پیشنهادی رأی اعتماد داد. (سند شماره ۵)

- بنابه گزارش یونایتدپرس، انگلستان در تاریخ ۳۰/۳/۴۰ از ایران به دیوان دادگستری لاهه شکایت برد.

- هیئت مختلط منتخب مجلس و نمایندگان دولت در روز ۱۳۳۰/۳/۲۰ در میان تظاهرات و ابراز احساسات شدید مردم، وارد خرمشهر گردیده، تابلوی «هیئت مدیره موقت ایران، مأمور اجرای ملی شدن صنایع نفت» بر فراز ساختمان شرکت نفت انگلیس نصب گردید.

- با کشف اسناد اداره اطلاعات شرکت نفت و خانه «سدان» مشخص شد که بسیاری از رجال وقت (امثال جواهر کلام - رضا فلاح - شاهپور بختیار - متین دفتری - خواجه نوری) با شرکت نفت انگلستان همکاری دارند.^{۲۰}

- پس از چندماه گفتگو و با پادرمیانی نماینده دولت امریکا، انگلیس اصل ملی شدن نفت را به رسمیت شناخت و نماینده خود را برای مذاکره و رفع اختلاف به ایران فرستاد، اما به دلایل مفصل این مذاکرات شکست خورد و در پی آن دولت انگلیس در ۳۰/۷/۹۰ به شورای امنیت شکایت برد. روز بعد به دستور دولت و ضمن تقویت قوای ملی جنوب برای حفظ آمادگی در مقابل تهدیدات انگلیس، کارشناسان انگلیس پس از چهل سال از ایران اخراج شدند.

- نخست وزیر در رأس هیأتی برای تنویر افکار عمومی جهان به امریکا سفر نموده و در جلسات تاریخی شورای امنیت، حقایق چندی از مداخلات و سیاست‌های استعماری انگلیس را بازگو کرد و بعنوان اعتراض به صلاحیت شورای امنیت برای رسیدگی به امور داخلی ایران، از حضور در آخرین جلسه شورا خودداری نمود.

- انگلیس محاصره اقتصادی ایران را که از چندی پیش آغاز نموده بود، تشدید کرد و ضمن ممانعت از فروش نفت ایران (توقیف کشتی‌ها (۳۰/۴/۳) و ...) وجوه متعلق به ایران را مصادره کرد. دولت مصدق نیز برای مقابله با محاصره اقتصادی، به انتشار اوراق قرضه^{۲۱}، برنامه اقتصاد بدون نفت، تعدیل بودجه و اصلاحات مالی، پولی و بانکی دست زد.

- در این زمان ملت و دولت در سه جبهه درگیر شده بودند:
۱- جبهه عمال داخلی انگلیس در ایران ۲- جبهه دولت انگلیس در ایران و جهان ۳- جبهه کادر رهبری حزب توده و به قول مصدق، توده انگلیسی.^{۲۲} (که علیرغم ژست‌ها و شعارهای ضد امپریالیستی عملاً آب به آسیاب دشمن می‌ریختند).

- در تاریخ ۳۰/۱۱/۱ تمام کنسولگری‌های انگلیس برچیده شد و بیست و نهم اسفند روز صنعت نفت نام گرفت.
- در ابتدای سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق در رأس هیأتی برای دفاع از حقوق ملت ایران در دادگاه لاهه^{۲۳} (هلند) حضور یافت.

- مجلس هفدهم گشایش یافت و نیروهای هواخواه غرب، با ترفندها و نیرنگ‌های گوناگون، موفق شدند حکومت دکتر مصدق را ساقط نمایند و در پی ابراز تمایل مجلس به قوام^{۲۴}، در ۲۷/۴/۳۱ فرمان نخست‌وزیری او صادر شد.

موضوع استعفای دکتر مصدق در آن ایام بحرانی (که به دفعات هم به اینکار تصمیم می‌گرفت) و روی کارآمدن قوام با حمایت عوامل انگلیس در داخل مجلس، دربار و جراید همراه آنها، موضوعی است که مستقیماً وقایع و رخدادهای خونین سی ام تیر را باعث شد، به همین دلیل لازم است کمی به عقب بازگردیم.

در اواخر دوره شانزدهم که نخست‌وزیر برای حضور در جلسات شورای امنیت، در امریکا به سر می‌برد، مخالفین دولت و عمال امپریالیسم که برای انتخابات بعدی، در صورت تداوم زمامداری مصدق، خواب‌های آشفته‌ای برای خود می‌دیدند زمینه را برای تحرکات و بهانه‌جویی‌های خود مناسب دیدند.

در این زمان مطبوعات خارجی^{۲۵} نیز از زوایای مختلف تحولات ایران را مورد بررسی قرار می‌دادند - و برعکس بخشی از نیروهای مبارز و ملی، که شاید تحریکات عناصر و عوامل وابسته را چندان جدی نمی‌گرفتند - خبر از تحولات جدی و اساسی می‌دادند که ای کاش توسط دولتمردان آن روزها هم، جدی‌تر گرفته می‌شد.

حادثه خونین ۲۳ تیر ۱۳۳۰ در آستانه ورود هریمن نماینده رئیس جمهور امریکا به کشور به دستور دربار و کمک‌های عمال انگلیس و حزب توده، شکل گرفت. در پی این عملیات که در غیاب نخست وزیر انجام شد، مشخص گردید که دولت و مصدق هیچ کنترلی بر ارتش و نیروهای انتظامی ندارند و آنان مستقیماً از شخص شاه دستور می‌گیرند. از این طرف نمایندگان وابسته به دربار و مخالف دولت نیز با طرح مسائلی مخلو و کم اهمیت، مثل درگیری در دانشگاه تهران^{۲۶} (سند شماره ۶) و ... می‌کوشیدند دولت را ناتوان از کنترل امور قلمداد نموده، در غیاب نخست‌وزیر، طراحی را مبنی بر تأخیر در برگزاری انتخابات دوره هفدهم به تصویب رساندند.



تظاهرات مردم در روز ۳۰ تیر

هدف واقعی آنها از این اقدام، ساقط کردن دولت^{۲۷} در ایام فترت بود تا دولت دلخواه آنها انتخابات مجلس هفدهم را به انجام برساند. برای تسهیل در شناسایی و درک موقعیت آن ایام و موضع گیری های جهت دار نمایندگان (و مجلس)، مذاکرات آخرین جلسه رسمی دوره شانزدهم منتهی به جلسه خصوصی منعقد در همان روز که نکات حائز اهمیتی را دربردارد در بخش ضمیمه بعنوان (سند شماره ۱۱) می آید.

رجوع به صورت مذاکرات جلسات آن روزهای پایانی مجلس شانزدهم و بخصوص جلسه ۱۹۸ (پنجشنبه نهم آبان ۱۳۳۰) به بعد، بسیار توضیح دهنده است و حکایت های تلخی از عمق ارتباط ماجراهای داخلی با خطدهی های سرویس های خارجی دارد. به عنوان نمونه، بخش هایی از مذاکرات جلسات هفدهم و نوزدهم آذرماه ۱۳۳۰ به عنوان سند شماره ۸ آورده شده است.

درگیری علنی نمایندگان مجلس شانزدهم با مصدق ریشه در مسائل مختلفی داشت که در این مختصر، بررسی تمامی آنها امکان پذیر نیست، اما اجمالاً به تحریکات عوامل داخلی و خارجی وابسته به دربار^{۲۸} و انگلیس باید به عنوان مهمترین انگیزه این امر اشاره کرد. اوج این تقابل به حضور مصدق در جلسه علنی مجلس (یکشنبه سوم آذرماه ۱۳۳۰) (سند شماره ۷) برمی گردد. در این تاریخ نخست وزیر ضمن توضیح نتایج سفر و گزارش مذاکرات انجام گرفته در سفر هیئت ایرانی به آمریکا و شرکت در جلسه شورای امنیت^{۲۹}، تصمیم جدی دولت برای برگزاری انتخابات دوره هفدهم را اعلام نمود. براساس سوابقی که ذکر شد (طرح تصویبی برای به تأخیر انداختن انتخابات) رئیس وقت مجلس (سردار فاخر حکمت) ضمن مخالفت با تصمیم دولت رسماً اعلام کرد: رأی مجلس (و تصویب لایحه مذکور) دارای اعتبار است و ... این حرف طبعاً مورد مخالفت و اعتراض نخست وزیر قرار گرفت. حسین مکی در کتاب «وقایع سیام تیر ۱۳۳۱» خود صفحه ۵۹ در شرح کامل این ماجرا می نویسد: «... و از این جلسه به بعد حمله های علنی و رسمی از سوی مخالفین به دکتر مصدق آغاز شد و روز به روز بر شدت این حملات افزوده می گشت، تا آن جا که به وی اهانت ها کردند (سند شماره ۸) و بعنوان اینکه تأمین جانی ندارند در مجلس متحصن شدند و بالاخره ورقه استیضاحی را که ذیلاً آمده است^{۳۰} تقدیم کردند. منتهی چون به علت عدم اکثریت، جلسه ای در مجلس تشکیل نشد، این استیضاح مطرح نگردید و دوره قانونی مجلس خاتمه یافت. (نقل از جلسه مورخ پنجشنبه ۵ دیماه ۳۰) (سند های شماره ۹ و ۱۰). چندماه پس از این ماجرا، انتخابات مجلس هفدهم بصورت ناقص برگزار شد (از ۱۳۶ نفر نماینده ای که باید انتخاب می شدند، فقط ۷۹ نفر برگزیده شدند) و گزارش های دریافتی حکایت از دخالت گسترده و تعیین کننده ارتشی ها در فرایند انتخابات داشت. نخست وزیر در پی دریافت گزارش های این تخلفات، در ملاقات با شاه، تهدید به استعفا نمود. در این ملاقات حسب ظاهر، موضوع حل شد و به ارتش -

که مستقیم زیر نظر شاه بود - دستور عدم دخالت داده شد. اما بازهم در بعضی مناطق، بویژه حوزه های عشایری، چهره های مورد حمایت دربار (ارتش) و فئودال ها برگزیده شدند. نخست وزیر در اعتراض به این امر در جلسه افتتاحیه شرکت نکرد و به جای آن نامه ای به مجلس نوشت که در آن جا صراحتاً اعلام می دارد که بیست درصد نمایندگان انتخابی نبوده و تحمیل شده اند. متن این نامه در اختیار رسانه ها قرار گرفت و نه تنها در داخل، که در جراید خارجی از جمله فیگارو چاپ پاریس و دیلی میل و دیلی تلگراف چاپ انگلستان نیز مقالات و اخباری علیه مجلس درج گردید. این مقالات بعضاً ترجمه و در جراید داخلی نیز منعکس می شد. (از جمله: مقالات مورد اشاره در شماره ۷۲ سال دوازدهم خواندنی ها منتشر گردید.)

حسین مکی این اتفاقات را دلایل تضعیف پارلمان دانسته و می نویسد: «... نتیجه تضعیف مجلس این شد که پاره ای از مقامات مانند ستاد ارتش و دربار و شاید خارجی ها از وضعی که پیش آمده بود سوء استفاده نموده در انتخابات هیئت رئیسه مجلس دخالت کردند و برخلاف نظر جبهه ملی و ملیون، [سید حسن امامی] امام جمعه تهران را که [با ترفندها و تقلباتی وکیل ارومیه شده بود و به همین دلیل] حتی با اعتبارنامه اش هم مخالفت شده بود، به ریاست مجلس منصوب نمودند...»^{۳۱} البته او دو جلسه بیشتر بر مسند ریاست تکیه نزد و با رویداد حوادث خونین سی تیر استعفا داد. (سند شماره ۱۱)

حسب عرف قانونی معمول پس از رسمیت یافتن مجلس، دولت می بایست استعفا می داد تا طبق سنت های پارلمانی، مجلس شورا و سنا، به نخست وزیر قبلی یا فرد دیگری ابراز تمایل نمایند و بعد حکم نخست وزیر از سوی شاه صادر شود، چنین هم شد و کابینه در روز یکشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۳۱ استعفا نمود. شاه از مجلسین خواسته بود تا مشترکاً یا جداگانه نسبت به نخست وزیر آینده ابراز تمایل نمایند.

درج اخبار و گزارش های مربوط به مجلس و موضع گیری های جدید نمایندگان (که در زمان رأی گیری برای ریاست مجلس کاملاً وضوح یافته بود و به عنوان نمونه، بخشی از مذاکرات جلسه ۱۲ تیرماه ۳۱ و تذکر مکی، بعنوان سند شماره ۱۲ آورده می شود)، مردم را در سراسر کشور به هیجان آورده بود^{۳۲} و آنها با دقت و حساسیت ویژه ای عملکرد مجلس را از همان جلسه نخست تحت نظر داشتند. در پی استعفای کابینه، جلسه خصوصی (در روز یکشنبه ۳۱/۴/۱۵) برای بررسی و تعیین فرد پیشنهادی برای نخست وزیری برقرار گردید و مذاکرات از سوی مخالفین و مدافعین دولت آغاز و دلایلی له و علیه مصدق اقامه گردید. به پیشنهاد ۱۵ نفر از نمایندگان جلسه سری برای رأی نهایی تشکیل و نتیجه (از عده حضار ۶۵ نفر، دکتر مصدق ۵۲ رأی قوام ۲ رأی ...) مشخص شد. اما مصدق تشکیل کابینه را موکول به گرفتن اختیارات ویژه کرده بود اما مجلس در آخرین جلسه خصوصی خود در ۲۴ تیر با این امر موافقت نکرد. همان روز وکلای هوادار وی با او ملاقات و توصیه کردند چون این امر (گرفتن اختیارات ۶ ماهه) عملی نیست و مجلس زیر بار نخواهد رفت خوبست کابینه تشکیل شود و بعد این امر

دنبال شود. (یادداشت‌های ارسنجانی)

این زمان مصادف بود با اوج فعالیت‌های دربار و شخص اشرف^{۳۳} و وابستگان به آنها برای تهاجم همه جانبه به دولت مصدق و شخص او و نیز در حمایت از زمامداری قوام السلطنه (مهره اساسی و کارساز و مورد اعتماد انگلیس). در عین حال جراید مخالف دولت و ایادی حزب توده نیز بشدت برای ترور شخصیت و تخریب وجهه ملی نخست وزیر، اعضاء کابینه و نمایندگان نهضت ملی، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند و با بزرگنمایی مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی و تنگناهای دولت و ... فرصت را برای سقوط دولت مناسب می‌دیدند، در بازار و میان صنوف مختلف هم به مرور علیه نخست وزیر و او بحث‌هایی می‌شد و طومارهایی له یا علیه وی تنظیم می‌گردید. این موضوع با طرح اختیارات ویژه، گسترده‌تر می‌نمود. متأسفانه این بخش از ماجرا هنوز هم، چندان مورد تحلیل قرار نگرفته و جای کار بسیار دارد، اما اجمالاً عجله و شتابزدگی نخست وزیر در استعفا و عدم مشورت او با اشخاص صاحب نفوذ در میان مردم، بویژه آیت‌الله کاشانی، فرصت مناسبی را برای آزمایش توطئه‌ای فراهم آورد که هر چند در سیام تیرماه ۳۱ با رشادت‌های مردم بیدار و رهبری‌های خردمندانه آیت‌الله کاشانی، مبارزات تعدادی از نمایندگان و خون شهدای راه حقیقت و آزادی به فرجام نرسید، اما یک‌سال بعد با کودتای سیاه امریکایی - انگلیسی به بار نشست و شد آنچه نباید می‌شد. آیت‌الله کاشانی پس از سال‌ها مبارزات طولانی با دولت‌های دست‌نشانده قوام، ساعد، منصور، رزم آراء و علاء، بشدت و با تمام توان، نیرو، بسیج امکانات و حمایت‌های مردمی، از دولت مصدق حمایت می‌کرد و اگر این اتحاد و وفاق و پیوستگی برقرار می‌بود، هرگز کودتای سیاه بوقوع نمی‌پیوست. این را در ادامه نوشتار پی می‌گیریم.

چیزی که بسیار روشن بود و همه می‌دانستند، همگرایی تمام فعالیت‌های مخالفین دولت و ملت روی دو محور متمرکز شده بود و عمل می‌کرد: ۱- سقوط دولت مصدق ۲- زمامداری قوام^{۳۴} پس از اخذ رأی مجلس شورای ملی، مجلس سنا جداگانه در روز دوشنبه ۱۶ تیر تشکیل جلسه داد و سناتورها نظر خود را نسبت به نخست وزیر آینده به نظر شاه^{۳۵} موکول کردند این اقدام بی‌سابقه و نوظهور حکایت از وجود ابهاماتی در تصمیم‌گیری‌ها و دلالت بر وقوع جریاناتی پشت پرده داشت. دکتر مصدق در دیدار روز بعد با شاه (۴/۱۷) به همین دلیل زمامداری را نپذیرفت. شاه به مجلس سنا دستور داد مثل مجلس شورای ملی عمل نماید. جلسه سنا روز ۴/۱۸ برگزار و از ۳۶ نفر عده حاضر تنها ۱۴ نفر به مصدق ابراز تمایل کردند اما برای خروج از بن‌بست، پس از جلسه‌ای محرمانه در دربار، چندتن از سناتورها مأمور می‌شوند به مصدق بگویند که چهارده رأی تمایل سنا، مانع از تشکیل دولت او نخواهد بود، و مصدق هم این نظریه را پذیرفت. روز بعد (۴/۱۹) فرمان نخستین وزیر وی صادر گردید. دکتر مصدق نیز در روز یکشنبه ۲۱ تیر در جلسه خصوصی مجلس شورا حاضر گردید و با ارائه لایحه‌ای، مسأله اختیارات ۶ ماهه را مطرح نمود.^{۳۶} پس از

بحث‌های مخالف و موافق، مجلس لایحه را تصویب نکرد و به بعد از تشکیل کابینه محول نمود.

بهر حال مصدق در ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۲۵ تیر ماه در دیدار با شاه (زمانی که برای دریافت فرمان نخست‌وزیری رفته بود) به دلایل چندی که مهمترین آنها شاید دخالت ارتش در انتخابات مجلس هفدهم بود و دریافت گزارش‌های متعدد از عدم تمکین فرماندهان ارتشی از مقامات سیاسی (و بویژه در مناطق حکومت نظامی) و با آگاهی از ملاقات‌های پی‌درپی مقامات عالی‌رتبه ارتش با اشرف، قوام، سفیران امریکا و انگلیس و احتمال طرح‌ریزی کودتایی علیه دولت ملی بود، تصمیم داشت خود مسئولیت وزارت جنگ را برعهده بگیرد^{۳۷} و این به مذاق شاه قطعاً ناخوشایند بود و به همین دلیل پس از سه ساعت^{۳۸} مذاکره در شرایطی که همه ملت منتظر معرفی کابینه او بودند، در میان بهت و حیرت همگان استعفا کرد.^{۳۹} و این امر، تمام آن روز به خواست و اصرار خودش از همه کس مخفی ماند و جز دربار و تعدادی از نمایندگان و مراکز تصمیم‌سازی چون لندن و ... تا صبح روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه اکثریت قریب به اتفاق مردم از این اقدام اطلاعی نداشتند و این را خیلی از تحلیل‌گران وقایع آن روز، اشتباه مهم و اساسی او می‌دانند و معتقدند او نهضت را در اوج پیروزی رها کرد و در معرض خطر جدی قرار داد. وی نمی‌بایست در چنان اوضاعی دست به استعفا زده و سنگر را رها کند چرا که پر واضح بود. نتیجه این عمل، تحمیل سلطه استعمار بر سرنوشت این ملت بود آنها مهره خود را آماده ورود به صحنه کرده بودند، و مسلم بود قوام با نیروی نظامی درصدد تصفیه رهبران و سرکوبی ملت و حل مسأله نفت برخواهد آمد.

در حاشیه این اتفاقات تلاش‌های دربار و وابستگان برای توجیه نمایندگان و رایزنی‌های مکرر برای قوام بسیار و با شدت در جریان بود. همان صبح پنجشنبه با تلاش‌های علاء (وزیر دربار) که خبر استعفای مصدق و قبولی آن را از طرف شاه به مجلس اعلام می‌کند و امامی (رئیس مجلس) با ۴۲ نفر نماینده حاضر در مجلس - که حد نصاب قانونی محسوب نمی‌شد - رأی تمایل به قوام داده می‌شود، نمایندگان مخالف (طرفدار مصدق) که ۲۸ نفر بودند در اعتراض به تعجیل امامی، از حضور در جلسه خودداری می‌کنند (ابستراکسیون) و برای شکایت، تقاضای ملاقات با شاه را می‌نمایند. وقت این دیدار، روز شنبه ساعت ۱۱ صبح تعیین می‌شود. شاه فرمان نخست‌وزیری قوام را روز جمعه ۴/۲۷ ساعت ۹ صبح همراه با اعطای مجدد لقب «حضرت اشرف» به او می‌دهد. ساعت ۲ بعدازظهر همان روز رادیو، اعلامیه معروف قوام «کشتیان را سیاستی دگر پدید آمد»^{۴۰} را پخش می‌کند که در آن ضمن تهدید مبارزین به برخورد شدید، بطور رسمی موضع خود مبنی بر جدائی دین از سیاست را اعلام می‌نماید. این اعلامیه که در آن هیچ اشاره‌ای به ملی شدن نفت نشده و به علاوه لبه تیز حمله متوجه دین و نقش اساسی آن در سیاست بود، به یکباره پرده از نقشه‌ها و نیات شوم شاه، قوام، دربار و اربابانشان برمی‌دارد و بیش از پیش مردم را مصمم می‌سازد که به هر قیمت شده با سرنگونی قوام، نگذارند این توطئه به ثمر برسد.

نکته بسیار مهمی که باید بطور جدی مورد توجه و تحلیل و بررسی بی طرفانه قرار گیرد اینست که پس از حضور علاء در مجلس و قبل از اظهار رأی تمایل در جلسه غیرقانونی پنجشنبه (که به حد نصاب نرسیده بود) نمایندگان هوادار دولت (یا مخالف قوام) در چه وضعیتی بسر می بردند؟ فرصت بسیار مغتنم آن روز صبح در این وضعیت به هدر رفت چرا که نمایندگان به هر دلیل در ابتدا با استعفای مصدق کنار آمده بودند و ساعات گرانبهای بعدی در رایزنی هایی می گذشت که هر کدام از آنها به فکر جانشین بعدی مصدق (و بعضاً) برای خود در صدد جمع آوری آراء بودند.^{۲۱}

اما مردم، از روز پنجشنبه که در جریان رأی تمایل مجلس به قوام قرار گرفته بودند ضمن تعطیل مغازه ها و بازارها، در خیابان ها و میادین تجمع می نمودند، مردم تهران پس از تعطیل بازار، دسته دسته به منزل آیتا... کاشانی هجوم آوردند. از طرف دربار هم^{۲۲} با آیتا... کاشانی تماس می گرفتند تا ایشان مردم را به آرامش دعوت نماید. فرماندار نظامی تهران ضمن اطلاعیه ای مردم را آشوب طلب خواند و در پی آن نیروهای نظامی و انتظامی با تانک و زره پوش و کامیون های مسلح و پر از نیرو، مراکز مهم مثل بازار، دانشگاه، بهارستان و... را محاصره کردند.

از همان ظهر پنجشنبه، ادارات مخابرات به دستور نخست وزیر از ارسال تلگرافات حمایت از مصدق و... خودداری می کردند. از عصر آن روز هم نظامیان با ادوات سنگین، علاوه بر تهران، در شهرهای مهم دیگر نیز حضور یافتند. در این زمان که شاه و قوام ارتش را در اختیار داشتند، سکوت آقای کاشانی (که در تمام دوران نخست وزیر قوام - ۲۲ ماه - در تبعید بسر برده بود) و عدم دخالت او در ماجرا می توانست علیرغم مخالفت های تعدادی از نمایندگان و مقاومت های اجتماعی دیگر، قوام را موفق کند. در آن روزهای بحرانی تنها موقعیت تعیین کننده ایشان به عنوان رهبر مذهبی جامعه می توانست با بسیج ملت، تمام نیروهای پشتیبان قوام را درهم یکوبد. و او بود که با وجود تمام تلاش های شاه و قوام و امتیازات پیشنهادی آنها سرسختانه ایستاد و موضع خود را در این مبارزه حتی یک قدم تغییر نداد.

در ملاقات روز شنبه نمایندگان^{۲۳} با شاه، نتیجه ای حاصل نشد و به همین دلیل قرار گذاشتند بیانیه ای صادر و روز دوشنبه سی ام تیر را در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام کنند. ساعت یک بعد از ظهر همان روز این اطلاعیه صادر شد که با استقبال گسترده و کم نظیر مردم مواجه گردید. این گروه از نمایندگان که اکثر اقدامات خود را با آقای کاشانی هماهنگ می نمودند، تلگرافی هم به شاه زدند که در آن به کشتار مردم توسط ارتشیان اعتراض شده بود.^{۲۴} آیتا... کاشانی در ملاقات علاء با ایشان (در همان روز پنجشنبه ۴/۲۶ که علاء خبر استعفای مصدق و قبولی آن از طرف شاه را برای مجلس می برد)، ارسنجان و نیز دوبار ملاقات آقای دکتر امینی^{۲۵} که حامل پیشنهادی از سوی قوام بود، موضع مشخصی داشت و آن اینکه با بودن دکتر

مصدق، هیچکس نمی تواند نخست وزیر باشد. از آن جا که مشخص بود در صورت حضور و مقاومت مردم در تظاهرات روز بعد، جمع کثیری از مردم بیگناه، کشته خواهند شد، آیت الله کاشانی طی اطلاعیه ای، خطاب به سربازان و افسران ضمن هشدار توطئه اجانب برای رویارویی ارتش با مردم، آنها را آگاه می سازد: «... اعمال احمد قوام که تنها برای جاه طلبی و برگشت انگلیس و استعمار است نباید به دست شما انجام و شما را در مقابل خون ها و حق کشی ها مسئول کند.»

در ۴/۲۸ علاء برای بار دوم با آیتا... ملاقات نمود، اما ایشان نظر خود را این بار مکتوب در نامه ای که روز ۴/۲۹ برای علاء می فرستد، اعلام می دارد که حمایت از دکتر مصدق همچنان حرف اصلی است. این نامه در واقع اتمام حجت بسیار سهمگینی از سوی آقای کاشانی با دربار و شخص شاه بود.^{۲۶} آقای کاشانی همچنین در اعلامیه ای که برای دعوت از مردم به مبارزه علیه قوام در همان روز صادر کرد، ضمن برشمردن برتری های مصدق نسبت به قوام، وی را (احمد قوام) عنصری که در دامان دیکتاتوری و استبداد پرورش یافته و تاریخ حیات سیاسی او پر از خیانت و ظلم و جور است و دادگاه ملی حکم مرگ و قطع حیات سیاسی او را صادر کرده، معرفی می نماید و از مردم برای شرکت در این جهاد اکبر، دعوت می نماید.^{۲۷} مجمع مسلمانان مجاهد (از بازوان قوی نهضت ملی که مستقیماً در ارتباط با آقای کاشانی بود و نقشی فعال در تمامی مراحل نهضت ملی داشت) نیز پیرو اطلاعیه ایشان اعلامیه ای صادر کرد که «... تا آخرین قطره خون برای تجدید زمامداری دکتر مصدق مبارزه خواهیم نمود و با کمال صراحت اعلام می داریم که به هیچ شخصی و دسته ای جز دکتر مصدق اجازه به دست گرفتن زمام امور را نخواهیم داد...»^{۲۸}

آقای کاشانی ابتکارات دیگری نیز طراحی و به انجام رساند از جمله، حدود ۵۰ نفر از نمایندگان را انفرادی و بعضاً گروهی به منزل خود دعوت نموده و از آنها، قول و تعهد برای امضاء ورقه عدم اعتماد به دولت تشکیل نشده قوام، گرفت. همچنین برای مصاحبه با خبرنگاران اعلام آمادگی کرد طبق این برنامه ریزی روز یکشنبه ۴/۲۹، خبرنگاران داخلی و خارجی در منزل ایشان تجمع نمودند.

در این مدت قوام و دربار نهایت سعی خود را به کار گرفته بودند تا از این اقدام ممانعت نمایند. اما موفقیتی در کار نبود و آقای کاشانی در این جلسه تصمیم قطعی خود را مبنی بر تشدید مبارزه آشتی ناپذیر خود تا سقوط قوام و روی کار آمدن مصدق در ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر در جمع خبرنگاران اعلام نمود و گفت: «... بخدای لایزال اگر قوام نرود اعلام جهاد می کنم و خودم کفن پوشیده و با ملت در پیکار شرکت می نمایم.»^{۲۹}

قوام که در صدد گرفتن اختیارات ویژه (و از جمله انحلال مجلس، بازداشت مخالفین و بویژه آیتا... کاشانی و...) بود، علیرغم وعده های درباریان و سفرای امریکا و انگلیس و... به این امر موفق نشد. از سیر وقایع و گفته های بعدی برمی آید که پس از مصاحبه و اعلامیه تند و تعیین کننده آیت الله کاشانی و تهدیدات ایشان، تمامی

حامیان قوام، ناامید و مأیوس از نتیجه کار، وی را رها کردند، و او هم برای مقابله با تظاهرات سی‌تیر دستورات شدید و غلیظی به استانداران، فرمانداران و رؤسای شهربانی و ژاندارمری می‌دهد. از جمله دستگیری آیت‌الله کاشانی و تعدادی از نمایندگان مجلس (مکی، بقایی و ...).

پس از تهران، ابتدا از اصفهان و قزوین و آبادان و بعد کرمانشاه خبر از ناآرامی و تظاهرات رسید، اولین تظاهرات با جمعی کفن‌پوش قبل از سی‌تیر، روز بیست و نهم در آبادان و خرمشهر برگزار شد، در قزوین هم مثل تهران، رشت و بعضی جاهای دیگر روز ۲۹ تیر هم مثل روزهای قبل مغازه‌ها و بازار تعطیل بود. در تهران کارگران کارخانه‌ها اعتصاب کرده بودند، سرویس‌های سی‌گانه اتوبوسرانی دست از کار کشیده. پمپ‌های بنزین از فروش بنزین خودداری می‌کردند. در این روز (۲۹ تیر) درگیری و زد و خوردهای پراکنده‌ای بخصوص در نقاط حساسی چون بازار، مخبرالدوله و بهارستان در جریان بود. اولین درگیری صبح ۲۹ تیر در نزدیکی صفی‌علیشاه (محل حزب زحمتکشان) بین مأمورین و اعضای حزب و بعد دیگر دستجات طرفدار نهضت ملی با شعارهای مرگ بر قوام، زنده باد کاشانی، زنده باد مصدق اتفاق افتاد، به گفته شاهدان عینی بیش از ۳۰ تانک (و زره‌پوش) در بهارستان مستقر شده بود اما مردم با میله‌های آهنی مانع از حرکت آنها می‌شدند. محتوای شعارهای مردم در بعضی نقاط (سبزه میدان، بازار و ...) مذهبی‌تر می‌نمود.

از کرمانشاه که یکی از کانون‌های مهم خیزش مردمی بود، بیش از سیصد نفر کفن‌پوش عازم تهران شدند. سرلشکر وثوق - از عاملان قوام - با سرباز و ساز و برگ در کاروانسرا سنگی تهران در مقابل آنها و مردم همدان - که برای یکسره کردن کار قوام به تهران می‌آمدند - ایستاد و از ادامه حرکت آنها جلوگیری کرد، به شهادت مطلعین، اسناد و مدارک و شهادت برخی از ناظرین، او نقش فعالی در سرکوبی جنبش در بخش‌های مختلف کشور ایفا نمود.

برای ثبت در تاریخ لازم است یادآوری کنیم که حزب توده در این جریان‌ات و بعدها کودتای سیاه مرداد ۳۲ از علل اصلی اختلافات و تعارض‌ها بود. آنها که درصدد تأمین منافع همسایه شمالی بودند، بنابر شهادت اسناد و مدارک متقن، هرگز منافع ملی را در اولویت‌های خود به حساب نمی‌آوردند و اگر به ظاهر با انگلیس و امریکا مخالفت می‌ورزیدند، در حقیقت در پی تضمین امتیازات ویژه‌ای برای کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های شمالی بودند. در این ماجرا نیز با آن همه غوغا سالاری و بهانه‌جویی در جراید و نشریات متعدد خود، اهداف دیگری را دنبال می‌کردند، که شاید سقوط قوام هم یکی از آنها محسوب می‌شد اما خط مشی و سیاست آنها استقلال ملت مسلمان نبود و دعوت آنها به ائتلاف با گروه‌های ملی (که قبولشان هم نداشتند) و مذهبی، تنها برای عوام‌فریبی و ... و در نهایت سهم بردن و شراکت در دستاوردهای نهضت بوده است ... در قیام سی‌تیر نیز آنها (حزب توده) تنها در بعدازظهر روز قیام، که دیگر جنبش حماسی مردم مسلمان و مبارز با رهبری آیت‌الله کاشانی و مجاهدت‌های نمایندگان نهضت

ملی ایران و با ایثار و از خود گذشتگی صدها شهید، به پیروزی قطعی رسیده بود و قوام، بالاچار در حال تنظیم استعفانامه خود بود، دستور شرکت در اعتصاب عمومی را صادر نمودند. این امری است که خود آنها در قطعنامه پلنوم چهارم به صراحت، آن را بعنوان اشتباه پذیرفتند. البته نمی‌توان از نظر دور داشت که بخش‌هایی از بدنه حزب به دلیل اعتقادات ملی و مذهبی، همراه با سایر مردم مسلمان در صحنه حاضر بودند.

در بعضی از کتب منتشره و نیز اسناد و مدارک موجود، اشاراتی به توطئه‌های گسترده‌ای شده است که قرار بود هم‌زمان با واقعه به زیان ملت و حکومت ملی انجام شود. طرح کودتا و دستگیری گسترده مخالفین از این موارد است، که خوشبختانه با رشادت‌های مردم، فرصت وقوع نیافت.

در اواخر شب روز یکشنبه ۲۹ تیر که فضا آبیستن حوادث هولناکی می‌نمود، اعلامیه نمایندگان نهضت ملی توسط یک افسر نظامی از رادیو تهران مبتنی بر درخواست از مردم برای عدم تجمع در روز سی‌ام^۱ تیر قرائت می‌شود. این اعلامیه نتیجه جلسه‌ای^۲ بود که همان شب در بهارستان تشکیل و به دلیل احتمال بروز وقایع حاد و کشت و کشتار وسیع، صادر شده بود.

علیرغم این وضعیت ملتهب و پرتنش، مکی در خاطراتش می‌نویسد: «دکتر مصدق از روزی که استعفا داد تا روزی که مجدداً کابینه خود را به مجلس معرفی نمود از شهر خارج نشد و با کسی هم ملاقات نکرد فقط با نمایندگان فراکسیون یک مرتبه ملاقات نمود و اصولاً فعالیتی نداشت و به استراحت پرداخته بود...»

از عصر روز ۴/۲۶ تا ۴/۳۰ درگیری‌های متعددی بین مردم و مأمورین به وقوع پیوست، تقریباً تمامی شهرها به حال نیمه تعطیل درآمدند و ایران سراسر مبارزه شده بود. بالاخره روز سرنوشت، روز اقتدار مردم، روز پیروزی حق علیه باطل، دوشنبه سی‌ام تیرماه فرا رسید. از یک سو مردم مبارز و هدفمند، با مشت‌های گره کرده، و از سوی دیگر نیروهای نظامی و انتظامی. از ساعت ۷ صبح خیابان‌های شهر را انبوه جمعیت پر کرده بود.^۳ حوالی ساعت ۹ صبح با افزایش جمعیتی که در بهارستان، مخبرالدوله - زاله و ... تجمع کرده بودند، در حوالی بهارستان درگیری‌ها شروع شد. مردم پیکر پاک شهدا را که دقایقی پیش به ضرب گلوله از پای درآمده بودند به سمت مجلس تشییع می‌کردند و با خشم و نفرت از عمال قوام، فریادهای زنده باد مصدق، زنده باد کاشانی و مرگ بر قوام، انتقام، انتقام، سر می‌دادند. گروهی از زنان داغدار، که عزیزانشان به شهادت رسیده بودند، شیون کنان خود را به مجلس و رئیس آن که قصد داشت به دربار برود، رسانده، او را که مسبب جریان‌ات می‌دانستند به باد فحش و ناسزا و ضرب و شتم گرفته بودند. حوالی ساعت ۱۱ خبر رسید که آیت‌الله کاشانی با جمع زیادی کفن‌پوش آماده حرکت به سمت بهارستان است. این خبر بر هیجان و التهاب و انگیزه مردم افزود. هر شهیدی عزم آنان را جزم‌تر و پایداری‌شان را استوارتر می‌کرد و این‌ها همه شبیه اتفاقاتی بود که در سایر نقاط کشور روی می‌داد. در

خیابان‌های منتهی به بهارستان (سعدی، فردوسی، ری، پامنار، برق و ... مردم را بی‌امان به گلوله می‌بستند، مردم در پشت سنگرهایی که از واژگون کردن خودروهای ارتش درست کرده بودند مبارزه می‌کردند. و با پرتاب سنگ و ... پلیس را به عقب نشینی وادار می‌کردند. مردم، سربازان و افسران را مخاطب قرار داده با نشان دادن پیکر غرقه به خون شهدا، از آنها می‌خواستند به ملت بی‌بوندند. صحنه‌های پراحساسی از پیوستن بخشی از نیروهای نظامی به مردم گزارش شده است. در پارک شهر مردم مجسمه شاه را به آتش می‌کشند.

از حوالی ظهر بود که دیگر پیروزی مردم قطعی شده بود، سربازان و درجه‌داران مرعوب شهامت مردم، دیگر مقاومت نمی‌کردند و حتی عده‌ای از آنها در همراهی با مردم اشک می‌ریختند. اما فرماندهانشان هم‌چنان به جنایات خود ادامه می‌دادند. آنها توسط مردم برای مجازات مرگ شناسایی می‌شدند. می‌گفتند برخی از آنان بیش از ۵۰ نفر از مردم را به دست خود شهید کرده‌اند. بیشترین جنایات‌ها در اطراف خیابان ملت رخ داد. نمایندگان نهضت ملی که شب قبل را هم در مجلس بیتوته کرده بودند، با نگرانی فعالیت‌های شدیدی را پی می‌گرفتند. از جمله سعی داشتند اخبار این کشتار غیرقانونی و فجیع را به دربار برسانند. حوالی ظهر چهار تن از آنان (دکتر معظمی، دکتر شایگان، مهندس رضوی و یوسف مشار) به دربار رفتند و پس از ملاقات با شاه به مجلس برگشتند و به خبرنگاران گفتند تا چند دقیقه دیگر نتیجه تصمیم را از دربار اطلاع خواهند داد.

حوالی ساعت ۴ بعدازظهر نیروهای انتظامی شهر را تخلیه کرده و مردم کلانتری‌ها را اشغال نمودند. حوالی ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر، که بیش از ۵۰ هزار نفر در بهارستان گرد آمده بودند و پرچم احزاب مختلف در اهتزاز بود، شاه در تماس تلفنی با مجلس به مهندس رضوی (از نمایندگان نهضت ملی) گفت: خواسته ملت انجام و قوام معزول گردید. این خبر به سرعت برق و باد در بهارستان و کلیه نقاط تهران و تمامی کشور پیچید و مردم حاضر یکصدا، سرود پیروزی خواندند.

قوام حوالی ساعت ۵ بطرف کاخ سعدآباد می‌رود، اما قبل از ملاقات با شاه خبر استعفای او از رادیو پخش می‌شود. تاریخ گواهی می‌دهد که در این لحظات حساس و پس از موافقت شاه با عزل قوام، بعضی از سران جبهه ملی (مثل دکتر معظمی و ...) در این فکر بودند که حالا که مصدق رفته و قوام هم می‌رود، آنها کرسی نخست‌وزیری را تصرف کنند. ارسنجانی به این موضوع در یادداشت‌های خود اشاره کرده است.^{۵۳} دربار همین پیام (یعنی کنارگذاشتن مصدق و قوام و ...) را برای آقای کاشانی فرستاد ولی ایشان با سرسختی پاسخ می‌دهد که غیر از دکتر مصدق هیچ‌کس نمی‌تواند نخست‌وزیر بشود. این پاسخ توطئه مذکور را خنثی می‌کند.

نظامی‌ها به سربازخانه‌ها برگشتند و از عصر آن روز مردم قدرت و انتظامات شهر را بدست گرفتند، رادیو تصرف شد. همان شب خیابان‌ها را از خون شهدا شستند. روز بعد ۴/۳۱ دیگر از افراد شهرداری

و ارتش در خیابان‌های شهر خبری نبود. ساعت ۹ صبح مجلس در جلسه سری خود با ۶۱ رأی از ۶۷ نفر نمایندگان حاضر به دکتر مصدق رأی تمایل داد. در میان انبوه گزارشاتی که خبرنگاران خارجی مخابره می‌کردند بر این نکته تأکید می‌شد که تهدید آیتا... کاشانی (که گفته بود ظرف ۲۴ ساعت قوام باید برود) ظرف کمتر از ۲۰ ساعت محقق شد.^{۵۴} یونایتدپرس در تفسیر جریانات این ایام با این عبارت سخن را آغاز می‌کند: «حکومت چهار روزه قوام و تجدید زمامداری مصدق، نشانه بارزی است که دیگر غیرممکن است یک نهضت سیاسی و ملی را در خاورمیانه که از طرف سازمان مذهبی تقویت می‌شود، درهم شکست.» آیتا... کاشانی پس از پیروزی، طی پیامی ضمن تشکر از فداکاری‌های مردم، که بزرگترین و گرانبهاترین افتخارات را برای دین و شرف مملکت و تاریخ خود ذخیره کردند، نهضت آنها را سرمشق ملل اسلام دانست...^{۵۵} به دستور ایشان یکی از تجار تهران قطعه زمینی در ابن بابویه برای دفن شهدا تهیه کرد و آن را آرامگاه جاوید شهدای اسلام در ایران نامید.

حوالی ساعت هشت، شب شهد شیرین پیروزی ملت در مبارزه خونین سی‌ام تیر - علیرغم از دست دادن بیش از ۵۰۰ شهید - با دریافت رأی صادره از سوی دیوان دادگستری لاهه^{۵۶}، مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به مسئله نفت ایران (شکایت انگلیسی‌ها)، دوچندان شد و آقای کاشانی به همین مناسبت نیز اعلامیه‌ای صادر و از مردم خواست تا آن شب را جشن بگیرند.^{۵۷} نکته جالب، رأی قاضی انگلیسی دیوان بود که به زیان کشورش رأی داد. (از ۱۴ قاضی با اکثریت ۹ رأی در مقابل ۵ رأی)

آن شب را نمایندگان نهضت ملی در مجلس به سر و سامان دادن به کارها و تصمیم‌گیری درباره نظم عمومی شهر و پیگیری مطالبات مردم در خصوص تشکیل کمیته‌ای برای تحقیق در مورد جنایتکاران این وقایع و ... گذراندند. از جمله این اقدامات اعلام عزای عمومی و برگزاری مجلس سوگواری در روز چهارشنبه و جلسه رسمی در روز دوشنبه^{۵۸} بعداً برای تجلیل و بزرگداشت شهدای قیام بود. در مجلس سوگواری شهدا در مسجد شاه و خیابان‌های اطراف، بیش از ۳۵ هزار نفر جمعیت عزادار جمع آمده. خواست‌های مردم که با فریاد و توسط بعضی از آنها و یا نمایندگان در این مجلس بر زبان می‌آمد عبارت بودند از: محاکمه و اعدام قوام - محاکمه و کلاهی که به نخست‌وزیری او رأی داده‌اند و همکاران انتخابی او - توقیف و مصادره اموال آنان به نفع بازماندگان شهدا - محاکمه و مجازات سناتورهای هوادار او - مجازات عاملین کشتار مردم.

در جلسه فوق‌العاده مجلس (دوشنبه دوم مرداد) علاوه بر تصویب لایحه اختیارات، ماده واحده‌ای تصویب شد که روز سی‌تیر را قیام مقدس ملی و شهدای آن روز را شهدای ملی نامید. (سند شماره ۱۴) در این جلسه و جلسات بعد دیگر امامی (رئیس وقت) شرکت نداشت متعاقباً در جلسه بعد (۵ مرداد) کابینه جدید دکتر مصدق معرفی شد. (سند شماره ۱۵) و در جلسه هفتم مرداد نمایندگان به دولت او رأی اعتماد داد و برنامه ایشان به تصویب رسید. (سند شماره ۱۶)

تاریخ روزنامه قانون شماره کتاب ثبت کتابخانه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه	 مجلس شورای ملی کتابخانه	تاریخ روزنامه قانون شماره کتاب ثبت کتابخانه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه شماره قفسه
---	---	---

۵
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

جریانات قانونی (در مجلس)

لا یجوز ان یکس خدمت کرکے دوسرے کو صدق نہ کرے

[illegible]



آقایان نمایندگان محترم

بر حسب تابلوی که از طرف مجلس نسبت به این جانب اظهار شده بود حسب ۷۱ ماده مجلس است
علاوه بر این در این جانب تشکیل به چنگ و چنگه معرفی کرده اکنون با عرض
مجلس شورای از حسن ظن و اعتماد آقایان نمایندگان محترم نسبت به خود امضا در وقت راه مجلس
شورای ملی معرفی میگردد :

آقای یارکاشی وزیر دارایی و رئیس هیئت وزیران

- دکتر محمد حسین صدیقی وزیر کشور
- دکتر ابراهیم مانی وزیر کار
- مهندس خلیل خانقانی وزیر کشاورزی
- مهندس علی لطفی وزیر دادگستری
- حسین نیل وزیر امور خارجه
- مهندس سیف الله مصلحی وزیر معادن و صنایع معدنی
- مهندس داود رحیمی وزیر راه
- دکتر علی اکبر اخوی وزیر اقتصاد ملی
- دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ
- دکتر عباس زریاب تهرانیان کلان وزارت بهادری

وزارت جنگ را که از این جهت وزارت دفاع ملی نامیده میشود شد خود این جانب به عده چهارده نفر
و امده وزارت بهادری و در این نمایندگان محترم سعادت خدمت به کشور تصدیق این جانب
و هنگام بود و در این جهت باید و شاید بروی آزادی خود رجوع داشته اراک این سرزمین
با اصلاح امور کشور و ترقی حاصل کنیم *

راجع به برنامه دولت بهر فرجه برنامه که سیاست خارجی دولت هستی بر مبنای صلح
و تفاهت این مازان بین المللی و دوستی با کتبی ملی و احترام حقوق ملت میباشد
و در سیاست داخلی نظریات و احوال یعنی اصلاحاتی در امور کشور صورت دارد که مواد آنرا
شرح ذیل تقدیم داشته و در خواست تصویب آن را دارد *

- ۱) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و در این باب
- ۲) اصلاح امریاتی و تعدیل بودجه بوسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیات های مستقیم
و در صورت لزوم مالیات های غیر مستقیم *
- ۳) اصلاح امر اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین برای کار *
- ۴) پیرو برداری از مصادن نفت کشور *
- ۵) اصلاح سازمانهای اداری و قوانین استخدام کشوری و قضایی *
- ۶) ایجاد شورای ملی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی و تامین مخارج این اصلاحات
بوسیله وضع موارث *
- ۷) اصلاح قوانین دادگستری *
- ۸) اصلاح قانون مطبوعات *
- ۹) اصلاحات امر فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی *

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی (سند شماره ۱۶)

جلسه ۲۱

مذاکرات مجلس شورای ملی صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه هفتم

مرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس.
- ۲- بیانات آقای نایب رئیس راجع بانتهای مجلس بمناسبت تظاهر
تماشاچیان علیه آقای میراشرافی قبل از رسمیت جلسه

۳- تصویب دو فوریت طرح پیشنهادی راجع به توقیف و مصادره

اموال آقای احمد قوام.

۴- اعلام تصویب نمایندگی آقای مجدزاده از رفسنجان پس از استرداد

مخالفت آقای بهادری.

۵- طرح و تصویب برنامه دولت آقای دکتر مصدق نخست وزیر

در تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ۱۰ و بیست دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی

(نایب رئیس) تشکیل گردید

۳- تصویب دو فوریت طرح پیشنهادی راجع به توقیف و مصادره اموال آقای قوام

نایب رئیس - ماده واحده راجع به تعقیب و ضبط اموال قوام مطرح است این
ماده با سه فوریت از طرف عده ای از نمایندگان محترم تقدیم شده است بعداً با مذاکراتی
که خود آقایان نموده اند یک فوریت آن را پس گرفتند (صحیح است) که با دو فوریت
مطرح شود و چاپ بشود و بین تمام آقایان توزیع گردد و در اولین جلسه ای که پس از
برنامه دولت خواهیم داشت در دستور بطور مقدم قرار خواهیم داد که لایحه با مطالعه
کامل و با منظور کردن تمام جهات از حیث قوانین جزائی و حقوقی بتصویب مجلس
شورای ملی البته هر طور که رای اکثریت محترم اقتضا داشته باشد برسد حالا ماده واحده
خوانده می شود و بغیریت اول رای بگیریم.

(شرح زیر ماده واحده قرائت شد)

نظر باینکه در جریان ۳ روز اخیر و کشتار فجیع یکی از عوامل آن قوام
رئیس دولت غیر قانونی وقت بوده است امضاء کنندگان ذیل ماده واحده زیر با قید سه
فوریت بمجلس تقدیم و تقاضای طرح و تصویب فوری آنرا داریم.

ماده واحده - بلافاصله پس از تصویب این قانون احمد قوام توقیف و تحت
تعقیب قرار گیرد و اموال او نیز بعنوان خونبهای شهدا مصادره شود.

مهندس حسینی - بنده توضیحی دارم.

نایب رئیس - تقاضا دارم صرف نظر بفرمائید.

مهندس حسینی - تذکری است.

نایب رئیس - بعد بفرمائید رای می گیریم بغیریت اول ماده واحده پیشنهادی
نمایندگان محترم آقایانیکه موافقت قیام بفرمایند.

(تمام نمایندگان قیام نمودند)

باتفاق آراء تصویب شد.

شمس قنات آبادی - باتفاق آراء نبود آقای عامری بلند نشدند مردم باید

بدانند که آقا تا چه حد دنبال قوام است.

نایب رئیس - با اکثریت تا تصویب شد آقا موافقت بفرمائید جلسه بدون تشنج
باجام وظایف قانونی خودش بپردازد. فوریت دوم مطرح است مخالفی نیست (گفته شد
خیر) آقایان موافقین قیام فرمایند.

(تمام نمایندگان قیام نمودند)

آقای عامری در حین قیام اظهار نمودند این هم بمحض خاطر آقای قنات
آبادی «خنده نمایندگان» (باتفاق آراء تصویب شد) ماده واحده طبع و توزیع خواهد شد که
آقایان محترم با مطالعه کامل نظریاتی که دارند در جلسه آتی یعنی جلسه ای که مطرح
خواهد بود به نظر نمایندگان محترم خواهند رسانید.

تاریخ ۱۳۳۰
شماره ۱۴۱۸
پیوست ۱۳۳۰
۲۱/۵/۳۱

مجلس شورای ملی
مجمع نمایندگان
مجلس شورای ملی

نایب نمایان محترم مجلس شورای ملی روز شنبه ۱۳۳۰ حضرت آیت الله
کاشانی و جناب دکتر محمد مصدق نخست وزیر محترم ایران روز شنبه
ساعت مقصود مجلس سنا رفوشت تبلیغات - مجمع نمایندگان مجامع
بترین اشکرات خود از تصویب طرح نایب نمایان فزاکسین نهضت ملی
دائری بی نقص و عفو از ادراستاد خلیل طهماسبی که خواست کلمه
مردم ایران بسیار تقدیم و از نایب نمایان محترم مجلس سنا استیذان
در تصویب طرح ارسالی مجلس شورای ملی دارد



روزنامه نایب نمایندگان
شماره ۴۸۵۴
تاریخ ۱۳۳۰/۵/۲۱



شماره ۴۴۵۵
تاریخ ۱۳۳۰/۵/۲۱
پیوست ۱۳۳۰

اولد لای
۵/۲۱/۳۱

باعتبار مجلس شورای ملی

در جواب مرامت شماره ۲۵۵۱ - جامع بطور قانونی مربوط به نایب نمایان
مجلس سنا ۱۳۳۱ بنام نایب نمایان که برای تصویب مجلس سنا ارسال شد با استحضار
مجلس سنا - تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۱ - روز شنبه ۱۳۳۱/۵/۲۱ - مجلس سنا مورد
تور از شرکت پان اصلاح صارتی به تصویب رسید -
اینکه من ماده واحد به صورت مجلس سنا خدایا ارسال میگردد اصلاح صارتی مورد -
با اطلاع مجلس شورای ملی به سر رسید -

نایب رئیس مجلس سنا
دکتر محمد مصدق

روزنامه نایب نمایندگان
شماره ۴۸۵۴
تاریخ ۱۳۳۰/۵/۲۱

در روز شنبه ۱۳۳۰/۵/۲۱
در جلسه مجلس شورای ملی
در وقت عصر

اداره ملی		وزارت پست و تلگراف و تلفن		جواهری	
تاریخ وصول	روز ماه	توضیحات	تاریخ اصل	شماره	تاریخ
۱۳۳۰/۵/۲۱	۱۸	۱۸	۸۴	۱۲۵۲	۲۵۷۷

اداره ملی
تلفنات را دیو

جان نثاران صف عطار سقط فروش شهرستان دزفول به ناسبت سرپرستی
مجلس شورای ملی بحضرت آیت الله عظمی کاشانی رهبر روحانی طایفه سنجات
دهنده ایران عذرا تبریک عرض داشتند و طایفه سنجات محترم نهضت
ملی و جناب نخست وزیر محترم دکتر مصدق دولت ملی خود را در راهی
استاد خلیل طهماسبی نجات بخش استقلال از درگاه خداوند متعال

خواستارم نمایند صف عطار سقط فروش علی محمد مخیر عطار
روزنامه نایب نمایندگان
شماره ۴۷۳۹
تاریخ ۱۳۳۰/۵/۲۱

برای حفظ و سرپرستی ایران از اوراق عرف ملی خریداری کنید
باسازمان شاعشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید

مجلس شورای ملی		مجلس سنا	
تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ
۱۳۳۰/۵/۲۱	۱۳۳۰/۵/۲۱	۱۳۳۰/۵/۲۱	۱۳۳۰/۵/۲۱

نایب نمایان محترم مجلس شورای ملی روز شنبه ۱۳۳۰ حضرت آیت الله
کاشانی و جناب دکتر محمد مصدق نخست وزیر محترم ایران روز شنبه
ساعت مقصود مجلس سنا رفوشت تبلیغات - مجمع نمایندگان مجامع
بترین اشکرات خود از تصویب طرح نایب نمایان فزاکسین نهضت ملی
دائری بی نقص و عفو از ادراستاد خلیل طهماسبی که خواست کلمه
مردم ایران بسیار تقدیم و از نایب نمایان محترم مجلس سنا استیذان
در تصویب طرح ارسالی مجلس شورای ملی دارد

هم‌چنین در جلسه ۳۱/۵/۱۲ مجلس طرح فوریتی ارائه شده راجع به توقیف و مصادره اموال قوام و در جلسه روز پنجشنبه ۱۶/۵/۳۱، تحت هدایت و خواست مردم آگاه و انقلابی و به پیشنهاد تعدادی از نمایندگان، طرح سه فوریتی عفو استاد خلیل طهماسبی، را از تصویب گذراند در همین جلسه استعفای امامی از ریاست مجلس و انتخاب آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس اعلام نمود. (سند ش ۱۷)

نیز به طبع از دست قلم و با این قلم

شماره ۴۸۸
تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۴

ماده واحده: لایحه را بهای ماده واحده پیشنهادی که در هیئت آن قبل تصویب شده است
و تصویب و امضای تصویب آنرا دارم.

یاد و احد - چون اسد قلم پکی از عیال مجر قتل و جراح جهان اشیر که پیش پشاور
دست جسمی ریسی ام تیرماه ۱۳۳۱ و قلم سلطانه علیه ملت ایران قدم است و قلم
فی الارض سلطانه قدم علاوه بر تعلیم و مجازات لائوس و جویس این قانون کلیه اموال و ادوای
مطلوب و غیر مملکت اسد قلم از مملکت او خان و سرتیپان عیال میگردد
تیمبر ۱ - حرکت در اموال و املک اسد قلم پس از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ نقل و انتقال
بهر عیان و بهر صلیح ولو معیوت سند ریسی صورت ثبت باشد آن نقل و انتقال از درجه
اعتباری و ان اموال اموال تعلیم قلم محسوب و سرتیپان عیال میگردد
تیمبر ۱ - اسناد غیر ریسی قدم و یا موقوف به غیر نقل و انتقال اموال قلم متعلق بهر تالی
باشد از درجه اعتباری و اسناد مکرر آنچه که موقوف به تعلیمات و شکایات جازر قطعی بهر مرتبه ای
باشد

نیمرو ۲ - اموال غیر متقولات که صورتها باسم دیگران ^{در} ثبت آنها از محل اموال قبلم برده است
شده نیز مشتمل باشد واحد خواهد بود .
نیمرو ۳ - وجوهی که بنام خزانه دولتی یا سایر ادارات و ایستگاهان در بانکها یا توفیق انعام
موجود باشد از اموال در امان محسوب و ضبط خواهد شد .
نیمرو ۴ - از اموال اسناد تمام یا بی شصت و پنج ریال برده است و سایر موازن شمری بین این موازنه است .

شماره ۱ - این نامه اجراء این قانون و تهیهی توضیحی که آن امثال بین وزارت معارف و عیون
جوانان ۶۱ تا ۳۱ ثریاء ۱۳۲۱ و امور عیون به پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون دادگستری
تتبع میگردد.

تیمبر ۷ مقررات این قانون به موجب آن مجامع جزائی سایر مسجونین و مباحثین جرائمات اشهر
تیرماه ۱۳۳۱ لغایت قیصر .

Handwritten notes in Urdu script, likely a continuation of the text or a separate entry, mentioning "میں نے" (I have) and "کے" (of).

تاریخ مہمور از روزنامہ قانونی ۱۳ ساعت
تاریخ مہمور از کتاب نمٹ کل ۸/۱۳/۱۳۶۱ ۱۳ ساعت

[illegible]

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

444/189

میتونم بفهمم

[illegible]

جریانات قانونی (در مجلس)

لا یحی بر آن خدایت که هر چه صدق گفتید

۷۲۰۸
 ۴۹۴۴
 ۴۱۵۰۵
 ۴۹
 ۴۱۷۸۵
 ۴۹۲۴
 ۴۱۷۸۸

همچنان که ملاحظه می شود طرح توقیف و مصادره اموال قوام، متضمن شناسایی او به عنوان مفسد فی الارض و خائن به ملک و ملت بود. اما ظاهراً در دولت و تصمیم گیرندگان اصلی، اراده لازم برای برخوردهای شدید و عدالت محور با قوام و دیگر آمرین به جنایت وجود نداشته و این بود که علیرغم تصمیم مجلس، طرح مذکور با لایحه پیشنهادی دولت تعویض شد و طبعاً لایحه مذکور - که چندان هم در عمل جدی گرفته نشد - قاطعیت و صلابت طرح پیشنهادی را نداشت.

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

(سند شماره ۱۷)

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۴

مذاکرات مجلس شورای ملی صورت مشروح مذاکرات روز پنجشنبه شانزدهم مرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان دکتر فاخر، کریمی، خلخالی، مکی و وکیل پور
- ۳- معرفی آقای دکتر مهندس داریوش بعماد وزارت پست و تلگراف بوسیله آقای مهندس معظمی وزیر پست و تلگراف
- ۴- اخطار نظامنامه آقای اخگر طبق ماده ۹۰ و آقای ناصر ذوالفقاری طبق ماده ۱۸

- ۵- تقدیم یک فقره طرح ۳ فوریتی راجع به تبرئه استاد خلیل طهماسبی بوسیله آقای قنات آبادی
- ۶- قرائت نامه مجلس سنا راجع به اصلاح عبارتی قانون قیام ملی و شهدای روز ۳۰ تیر
- ۷- انتخاب ۵ نفر جهت عضویت در هیئت مختلط نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت

- ۸- طرح و تصویب طرح ۳ فوریتی به عفو استاد خلیل طهماسبی
- ۹- قرائت استعفا آقای دکتر سید احمد امامی از ریاست مجلس و انتخاب آقای آیت الله کاشانی بر ریاست مجلس
- ۱۰- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و سی دقیقه صبح بر ریاست آقای محمد ذوالفقاری (نایب رئیس) تشکیل گردید.

۵- تقدیم یک فقره طرح ۳ فوریتی راجع به تبرئه استاد خلیل طهماسبی بوسیله آقای قنات آبادی

شمس قنات آبادی - بنده هم اخطار دارم.

نایب رئیس - طبق چه ماده ای؟

شمس قنات آبادی - طبق همان ماده ۱۸.

نایب رئیس - جزو دستور است.

شمس قنات آبادی - اجازه بفرمائید بنده می خواستم طبق همین ماده ای که آقای ذوالفقاری اخطار نمودند اخطار بکنم و حالا که ایشان موافقت فرمودند که هیأت مختلط مقدم باشد و موضوع خواندن نامه استعفا آقای رئیس (ناصر ذوالفقاری - بشرطی که کسی بیرون نرود) هیچکس هم بیرون نخواهد رفت و می نشینیم معلوم شود و مخالفتی نداریم یک طرحی بامضای سی نفر با قید سه فوریت هست که تقدیم میکنم.

۶- قرائت نامه مجلس سنا راجع به اصلاح عبارتی قانون قیام ملی و شهدای روز ۳۰ تیر

نایب رئیس - یک نامه ای از مجلس سنا رسیده که قرائت میشود. (بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در جواب مراسله شماره ۲۵۵۱ - ۱۳۳۱/۵/۵ راجع به طرح قانونی مربوط به شناسایی قیام روز سیام تیرماه ۱۳۳۱ بنام قیام مقدس ملی که برای تصویب به مجلس سنا ارسال شده است اشعار میدارد طرح مزبور در جلسه روز شنبه پانزدهم مرداد ماه ۱۳۳۱ مجلس سنا مورد شور قرار گرفت و با اصلاح عبارتی بتصویب رسید. اینک عین ماده واحده مصوبه مجلس سنا منضمّاً ارسال می گردد تا اصلاح عبارتی مزبور باطلاع مجلس شورای ملی برسد.

نایب رئیس مجلس سنا - دکتر سعید مالک طرح قانون مربوط به شناسایی قیام روز ۳۰ تیرمه ۱۳۳۱ بنام قیام مقدس ملی. ماده واحده - مجلسین سنا و شورای ملی قیام روز دوشنبه ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱ را که در سراسر کشور برای پشتیبانی از نهضت ملی ایران انجام پذیرفت قیام مقدس ملی شناخته و شهدای آن روز را بعنوان شهدای ملی مینامد. ماده واحده مندرج در فوق در جلسه روز شنبه یازدهم مرداد ماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس سنا رسیده است.

نایب رئیس مجلس سنا - دکتر سعید مالک ۸- طرح و تصویب طرح ۳ فوریتی به عفو استاد خلیل طهماسبی

نایب رئیس - آقای مهندس رضوی

مهندس رضوی - چون بین آقایان نمایندگان محترم ممکن بود یک سوء تفاهمی ایجاد شده باشد باید البته آقایان توجه داشته باشند که طرح یک موضوعی که بصورت لایحه که از طرف آقایان نمایندگان داده میشود محتاج بحضور وزیر یا معاون پارلمانی ایشان است و این طرحی که فعلاً تقدیم شده با تشریف آوردن آقای لطفی گمان میکنم اشکالی نباشد طبق آئین نامه اقدام فرمائید که مطرح شود.

نایب رئیس - طرح قرائت میشود (بشرح زیر توسط آقای ناظر زاده قرائت شد)

چون افرادی که ثابت شود علیه ملت و منافع اجتماع قیام برفع بیگانه بنمایند در هر مسلک و مذهب مهذورالدم هستند لذا ما امضاء کنندگان ذیل ماده واحد را با قید سه فوریت تقدیم میداریم.

ماده واحده - چون خیانت حاج علی رزم آراء و حمایت او از اجانب بر ملت ایران ثابت است بر فرض اینکه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد از نظر ملت بیگناه و تبرئه شده شناخته میشود.

شمس قنات آبادی، کریمی، سید جواد، مهندس حسینی، دکتر شایگان، ناصر جلالی، انگچی، دکتر بقائی، علی زهری، حسین مکی، زیرک زاده، دکتر ملکی، پارسا، مدرس، دکتر فلسفی، ناظرزاده، حائریزاده، اقبال، وکیل پور، اخگر، میلانی، شاپوری، فرزانه، معتمد دهاوندی، ناصر ذوالفقاری، دکتر ستجایی و نریمان.

نایب رئیس - رأی میگیریم بغوریت اول آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد فوریت مطرح است (گفته شد - مخالفی نیست) رأی میگیریم بغوریت دوم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد حالا فوریت سوم مطرح است آقایانی که موافقت فی المجلس مطرح شود استدعا میکنم قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد، اصل طرح مطرح است قرائت میشود. (مجدداً بشرح سابق قرائت می گردید)

نایب رئیس - ماده واحده مطرح است مخالفی نیست؟

مهندس رضوی - بنده پیشنهاد اصلاحی دارم.

نایب رئیس - کسی اجازه نخواست پیشنهادات قرائت میشود (پیشنهاد آقای مهندس رضوی بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم بجای ماده واحده پیشنهادی ماده ذیل بعنوان اصلاحیه مورد تصویب قرار گیرد.

ماده واحده - چون خیانت حاج علی رزم آراء بر ملت ایران ثابت گردیده هرگاه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد بموجب این قانون مورد عفو قرار میگیرد. احمد رضوی

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمائید.

نایب رئیس - عده حاضر ۶۴ نفر حضرت آیت الله کاشانی ۴۷ رأی، آقای دکتر معظمی ۱۰ رأی ورقه سفید ۴ برگ آقای خلخالی یک رأی (خلخالی - این شوخی نتیجه منطقی است که بنده کردم) بنابراین حضرت آیت الله کاشانی با اکثریت تام بریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند (نمایندگان - مبارک است) (کف زدن و تظاهر از طرف تماشاچیان) ...

پس از این همه ایشار و خون و مبارزه و فداکاری های مثال زدنی نیروهای مذهبی و ملی، انتظار براین بود که صفوف متحد مردم و مسئولینی که با نثار خون مردم به زمامداری رسیدند، مستحکم تر شود و دولتمردان که در اثر این رشادت ها، با افتخار و غرور، کرسی ها و صندلی های وزرات و وکالت را تصاحب کردند، ضمن کوتاه کردن دست خیانت کاران، از مسئولیت های اجرایی و سیاسی و نظامی، مسببین این خیانت ها و جنایت ها را شناسائی، دستگیر و به مجازات عدل اسلامی تأدیب نمایند. این توقعات که چندان هم غیر قابل دسترسی نبود، بر سنگفرش خیابان ها و با خون شهدای قیام حک شده بود و در آن روز تاریخی و روزهای پس از آن همواره مورد تقاضا و تأکید مردم بود و مسئولین مردمی نیز قول این کارها را داده بودند.

این بار رئیس دولت (مصدق) به تمامی خواسته های خود، وزارت جنگ، اختیارات ویژه و ... رسیده بود (سند شماره ۱۸) اما ...

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

(سند شماره ۱۸)

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۳

مذاکرات مجلس شورای ملی صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه دوازدهم امرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات آقای رئیس راجع به شرکت در کنفرانس اتحادیه بین المجالس
- ۳- اعلام تقاضای آقای راشد دائر بکسالت و ابراز رأی اعتماد بدولت آقای دکتر مصدق
- ۴- اخذ رأی و تصویب یک دوازدهم بودجه تیرماه ۱۳۳۱
- ۵- طرح و تصویب طرح پیشنهادی راجع به خارج شدن اموال احمد اقوام از ملکیت او
- ۶- طرح و تصویب لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر
- ۷- بیانات آقای نایب رئیس بمناسبت چهل و هفتمین سال مشروطیت

۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد، ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

۵- طرح و تصویب طرح پیشنهادی راجع به خارج شدن اموال احمد اقوام از ملکیت او

نایب رئیس - دو لایحه فوری در دستور داشتیم که هر دو فوریتش تصویب شده.

مکی - هیئت مختلط نفت مقدم است کار مجلسمان را بکنیم بعد بکار

مهندس رضوی - این پیشنهاد اصلاحی که بنده تقدیم کردم تفاوت معنوی با آن پیشنهاد ندارد ولی بنظر بنده اینطور آمد که عمل مجلس از نظر قانون گذاری اگر مبنی بر عفو قاتل باشد بهتر است تا جمله تبرئه باشد باین دلیل این پیشنهاد را تقدیم کرده و تصور میکنم که اشکالی بین نباشد.

نایب رئیس - آقای وزیر دادگستری نظرتان را بفرمائید.

حاج سید جوادی - حضور وزیر دادگستری شرط است نظر ایشان شرط نیست.

وزیر دادگستری - بنظر بنده استعمال کلمه عفو بهتر از تبرئه است قاتل معقول است (صحیح است)

نایب رئیس - مخالفی نیست با این پیشنهاد آقایان توجه بفرمائید رأی بقابل توجه بودن این پیشنهاد میگیریم ...

دکتر بقائی - یک کلمه اضافه شود عفو و آزاد میگردد.

مهندس رضوی - معنای قانونی آن فرقی نمی کند مائعی ندارد اضافه شود.

نایب رئیس - با اصلاحی که شده مجدداً قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - چون خیانت حاج علی رزم آراء بر ملت ایران ثابت گردیده هرگاه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد بموجب این قانون مورد عفو قرار میگیرد و آزاد میشود.

نایب رئیس - رأی بقابل توجه بودن آن میگیریم آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد این پیشنهاد بجای ماده واحده میشود پیشنهاد دیگری قرائت شود.

(پیشنهاد آقای پورسرتیپ بشرح زیر قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد می کنم تبصره ذیل باخر طرح اضافه شود.

تبصره - دولت موظف است زندگی و اعاشه خلیل طهماسبی را از هر حیث تأمین و رفاه و آسایش او را مادام العمر فراهم سازد.

قنات ابادی - او تا بحال از بازوی خودش نان خورده و حالا هم احتیاج

بکسی ندارد.

حاج سید جوادی - مردم او را از روی سرش میشناسند.

حسینی - پیشنهاد خرج است وکیل حق چنین پیشنهادی ندارد.

پورسرتیپ - اجازه بفرمائید عرایضم را بکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد خرج است نمیشود طرح کرد رأی کلی گرفته میشود و بمجلس سنا میرود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد به مجلس سنا فرستاده خواهد شد.

۹- قرائت استعقای آقای دکتر سید احمد امامی از ریاست مجلس و انتخاب آقای آیت الله کاشانی بریاست مجلس

نایب رئیس - نامه آقای دکتر امامی قرائت میشود.

(بشرح زیر بوسیله آقای ناظرزاده خوانده شد)

مجلس مقدس شورای ملی

معروض می دارم چون برای معالجه و مداوای درد دست که مدتی است مبتلا هستم ناچار بمسافرت شده و نمیدانم چند مدت تحت مداوا خواهم بود و نمی خواهم کارهای مجلس در غیاب بند پلاتکلیف بماند لذا با سپاسگذاری از الطاف نمایندگان محترم که نسبت به بنده میزول فرموده اند استعقای خود را تقدیم می دارم و امیدوارم که خداوند قادر متعال نمایندگان محترم را در راه خدمت بملت و مملکت توفیق عنایت فرماید، انشاءالله

سید حسن امامی

نایب رئیس - طبق نظامنامه بلافاصله پس از خواندن نامه باید رأی گرفته شود و باین جهت اگر نظری دارید راجع باین موضوع بفرمائید (رأی - رأی) اعلام رأی می شود برای انتخاب یکنفر رئیس آقایان توجه داشته باشند که در مرحله اول اکثریت تام و بعد نسبی است (حاج سید جوادی - این قرآن مقدسی است که بسر نیزه زده شد اکثریت تام دارد) اسامی را قرائت بفرمائید.

(اسامی آقایان نمایندگان بقرار ذیل بوسیله آقای ناظرزاده (منشی) اعلام و در محل نطق حاضر و رأی دادند)

دولت بپردازیم.

نایب رئیس - لوایحی که دو فوریتشان تصویب شده است قبلاً مطرح می‌شود بعد آخر جلسه کار هیئت مختلط انجام میشود.

مکی - آخر جلسه اکثریت نیست مشکل هم میشود.

نایب رئیس - بنابراین ماده واحده مربوط به احمد قوام مطرح است و بجای ماده واحده پیشنهادی سابق ماده واحده دیگری رسیده است که برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم قرائت می‌شود.

دکتر معظمی - طرحی که اول پیشنهاد شده است قرائت شود بعد طرح اصلاحی.

نایب رئیس - طرح پیشنهادی اول قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

نظر براینکه در جریان دو سه روز اخیر و کشتار و قتل عام فجیع که یکی از عوامل آن قوام رئیس دولت غیرقانونی وقت بوده امضاء کنندگان ذیل ماده واحده زیر را با قید سه فوریت (نایب رئیس - دو فوریت است یک فوریتش را پس گرفتند) با قید دو فوریت بمجلس تقدیم و تقاضای طرح و تصویب فوری آنرا داریم. ماده واحده - بلافاصله پس از تصویب این قانون احمد قوام توقیف و تحت تعقیب قرار گیرد و اموال او نیز بعنوان خونبهای شهداء مصادره شود.

نایب رئیس - بجای این ماده واحده ماده واحده اصلاحی پیشنهاد شده است. قرائت می‌شود.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحده ذیل را بجای ماده واحده پیشنهادی که دو فوریت آن قبلاً تصویب شده است پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا داریم.

ماده واحده - چون احمد قوام یکی از عوامل مؤثر قتل و فجایع اخیر که منتهی بکشتار دسته‌جمعی روز سیام تیرماه ۱۳۳۱ و قیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است تشخیص و مفسد فی الارض شناخته شده است علاوه بر تعقیب و مجازات قانونی بموجب این قانون کلیه اموال و دارائی منقول و غیرمنقول احمد قوام از ملکیت او خارج و جزء اموال عمومی میگردد.

تبصره ۱ - هرگاه در اموال و املاک احمد قوام پس از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ نقل و انتقالی بهر عنوان و بهر صیغه ولو بصورت سند رسمی صورت گرفته باشد آن نقل و انتقال از درجه اعتبار ساقط و آن اموال، اموال قطعی قوام محسوب و جزء اموال عمومی میگردد.

تبصره ۲ - اسناد غیررسمی ذمه و یا مربوط بهر نوع نقل و انتقال اموال قوام بهر تاریخی باشد از درجه اعتبار ساقط است مگر آنچه که مربوط بعملیات و مطالبات جاری و عادی بهره‌برداری باشد.

تبصره ۳ - اموال غیرمنقولی که صورتاً باسم دیگران خریداری و قیمت آنها از محل اموال قوام پرداخت شده مشمول ماده واحده خواهد بود.

تبصره ۴ - وجوهی که بنام حزب دمکرات سابق یا سازمان وابسته بان در بانکها و یا نزد اشخاص موجود باشد از اموال دولتی محسوب و ضبط خواهد شد. تبصره ۵ - از اموال احمد قوام پنج میلیون ریال برداشت و طبق موازین شرعی بین زن و فرزندش تقسیم می‌شود.

تبصره ۶ - آئین‌نامه اجرای این قانون و طریق توزیع عوائد آن اموال بین وراث شهدا و مجروحین جریانات ۲۶ تا ۳۱ تیرماه ۱۳۳۱ و امور خیریه پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون دادگستری تنظیم می‌گردد.

تبصره ۷ - مقررات این قانون بهیچوجه مانع تعقیب جزائی سایر مسببین و مباشرین جریانات اخیر تیرماه ۱۳۳۱ نخواهد شد.

نایب رئیس - ماده واحده مطرح است آقای قنات آبادی مخالف هستند؟

قنات آبادی - بلی

نایب رئیس - بفرمایید.

قنات آبادی - بنده با این ماده واحده پیشنهادی از لحاظ اینکه کامل نیست مخالفم و علتش هم این است که در این ماده واحده تکلیف اموال احمد قوام معلوم شده اما تکلیف خود قوام و مسببین کشتار سیام تیر معلوم نشده اینجا صحبت

شده بود که مجلس در جزئیات دخالت نمیتواند بکند بعد که مراجعه کردیم بسواق دیدیم که مجلس حتی حکم قتل جنایتکارانی که بر علیه مصالح ملت قیام کرده‌اند مثل سالارالدوله و امثال او را داده بنابراین هیچ اشکالی ندارد یک پیشنهادی هم در این زمینه کرده‌ام و تقدیم مقام ریاست نموده‌ام و هیچ اشکالی ندارد که مجلس تصمیم بگیرد و تصویب بکند و بدولت ابلاغ بکند که مسببین سیام تیر از رئیس ژاندارمری رئیس حکومت نظامی آن سرهنگ قربانی جنایتکار که با دست خودش ده دوازده نفر را شهید کرده است آن ستوان فاطمی و امثال او را باید بلافاصله توقیف کنند و بجای قانونیشان یعنی باعدام آنها را برسانند باینجهت بنده مخالفم (کری می - در کرمانشاه سرگرد رضائی) مقصودم در تهران نیست در تمام شهرستانها در اهواز و کرمانشاه کشتار بعد از سقوط قوام اتفاق افتاد (خسرو قشقائی - پس مخالف نیستند) بنابراین این پیشنهاد را هم دادم و باین دلیل مخالفم.

نایب رئیس - آقای حاج سیدجواد موافقید؟

حاج سیدجواد - بنده موافقم با آن قید و شرطی که آقای قنات آبادی فرمودند که اول خود او را دخلش را بیاورند بعد هم خدمت اموالش برسند.

نایب رئیس - مثل اینکه این پیشنهاد مربوط باین لایحه نمیتواند باشد. آقای پورسرتیپ

پورسرتیپ - ما اگر تصدیق بخواهیم بکنیم که گذشته‌ها خیانت کرده‌اند باین کشور مسلماً باید آنها را هم مجازات بکنند. حالا آقای حائریزاده گفتند که آنها را هم اموالشان را ضبط بکنند و بآن پیشنهاد مجلس رأی نداد. حداقل مانعی ندارد که بعد از این سرکار نیایند.

امامی اهری - یکمرتبه دیگر خوانده شود.

(بشرح فوق خوانده شد)

مهندس حسینی - پس بگیرید (پورسرتیپ - پس گرفتم)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای وکیل پور قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می‌کنم که در دنباله تبصره ۲ این عبارت: (مگر نقل و انتقالهایی که صحت وقوع آن قبل از تاریخ ۳۱/۴/۲۵ محرز شده باشد) اضافه شود.

نایب رئیس - آقای وکیل پور

وکیل پور - بنده با احترام فرمایش جناب آقای مکی این پیشنهاد را پس می‌گیرم ولی از جناب آقای دکتر شایگان و دکتر معظمی تقاضا می‌کنم که به تبصره ۲ این لایحه یک توجهی بفرمایند که موجب اضرار غیر نشود ما در این ماده واحده قصدمان اینست که مسبب قتل و جنایت را مجازات کنیم نه اینکه مردم را موجب ضررشان بشویم. اینجا نوشته شده است که اسناد غیررسمی ذمه یا مربوط بهر نوع نقل و انتقال اموال قوام متعلق بهر تاریخی باشد از درجه اعتبار ساقط است مگر آنچه که مربوط بعملیات و مطالبات جاری و عادی بهره‌برداری باشد. در صورتیکه ممکن است یک شخصی یک ملکی را از او خریده باشد و این معامله باسند عادی یا ذمه‌ای صورت گرفته باشد و انحاء تصرفات مالکانه هم در آن ملک کرده باشد آنوقت باید از او خلع ید کرده حالا جناب آقای شایگان و جناب آقای دکتر معظمی باید باینموضوعات توجه بفرمایند (مهندس حسینی - خواهش می‌کنم پس بگیرید برای اینکه تمام اینها دقت شده است) عرض کردم پس می‌گیریم ولی خواهش می‌کنم ایشان توجه بفرمایند.

نایب رئیس - ... بنابراین ماده واحده با اصلاحاتی که در آن شده است مطرح است آقایان اگر مایلند قرائت بشود (چند نفر از نمایندگان - خوانده شود) توجه بفرمایید قرائت می‌شود.

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده واحده ذیل را بجای ماده واحده پیشنهادی که فوریت آن قبلاً تصویب شده است پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا داریم:

ماده واحده - چون احمد قوام یکی عوامل مؤثر قتل و فجایع جریان اخیر که منتهی بکشتار دسته‌جمعی روز سیام تیرماه ۱۳۳۱ و قیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است تشخیص و مفسد فی الارض شناخته شده. علاوه بر تعقیب و مجازات قانونی به موجب این قانون کلیه اموال و دارائی منقول و غیرمنقول احمد قوام از مالکیت او خارج می‌گردد.

تبصره ۱ - هرگاه در اموال و املاک احمد قوام پس از تاریخ ۲۵ تیرماه

۱۳۳۱ نقل و انتقالاتی بهر عنوان و بهر صیغه ولو به صورت سند رسمی صورت گرفته باشد آن نقل و انتقال از درجه اعتبار ساقط و آن اموال اموال قطعی قوام محسوب میگردد.

تبصره ۲- اسناد غیررسمی ذمه‌ای و یا مربوط بهر نوع نقل و انتقال اموال قوام متعلق بهر تاریخی باشد از درجه اعتبار ساقط است مگر آنچه که مربوط بهعلمیات و مطالبات جاری و عادی بهره‌برداری باشد.

تبصره ۳- اموال غیرمنقولی که صورتاً باسم دیگران خریداری و قیمت آنها از محل اموال قوام پرداخت شده نیز مشمول ماده واحد خواهد بود.

تبصره ۴- وجوهی که بنام حزب دموکرات سابق یا سازمانهای وابسته بآن در بانکها یا نزد اشخاص موجود باشد از اموال دولتی محسوب و ضبط خواهد شد.

تبصره ۵- از اموال احمد قوام ۵ میلیون ریال برداشت و طبق موازین شرعی بین زن و فرزندش تقسیم میشود.

تبصره ۶- آئین‌نامه اجرای این قانون و طریق توزیع عواید آن اموال بین وراث شهدا و مجروحین جریانات ۲۶ تا ۳۱ تیرماه ۱۳۳۱ و امور خیریه به پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون دادگستری تنظیم می‌گردد.

تبصره ۷- مقررات این قانون بهیچوجه مانع تعقیب جزائی سایر مسببین و مباشرین جریانات اخیر تیرماه ۱۳۳۱ نخواهد شد.

تبصره ۸- مجلس شورایملی بمنظور رسیدگی و تشخیص عده و هویت کلیه مقتولین و مفقودین وقایع اخیر و تحلیل از فداکاری‌های آنها و از طرف دیگر بمنظور رسیدگی و تحقیق و تشخیص و مسببین و مسئولین این فجایع کمیته تحقیق منتخبه از طرف نمایندگان طرفدار ادامه نهضت ملی را تنفیذ مینماید و کمیته نامبرده کلیه اختیارات قانونی لازمه را جهت انجام مقاصد بالا دارا میباشد و نتیجه را در مدت دو ماه باطلاع مجلس شورای ملی خواهد رسانید.

نایب رئیس - اعلام رأی میکنم نسبت بماده واحد تبصره‌های ضمیمه و اصلاحاتی که امروزه مورد توجه واقع شده است آقایانی که موافقت با ماده واحد و اصلاحات پیشنهادی قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. این لایحه چون تصویب شد بمجلس فرستاده خواهد شد لایحه اختیارات دولت مطرح است.

مکی - آقا هیأت مختلط را یک رأی بگیری بعد لایحه اختیارات را مطرح کنید

ع- طرح و تصویب لایحه اختیارات آقای دکتر مصدق نخست وزیر نایب رئیس - لایحه اختیارات دولت مطرح است قرائت میشود (بشرح

زیر قرائت شد)

ماده واحد - باقay دکتر مصدق نخست وزیر اختیار داده میشود که از

تاریخ تصویب این قانون تا مدت ۶ ماه لوایحی که برای اجرای مواد نه گانه برنامه دولت ضروری است و در جلسه هفتم مرداد ماه ۱۳۳۱ مجلس شورایملی بشرح ذیل:

۱- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورایملی و شهرداریها

۲- اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه بوسیله تقلیل در مخارج و برقراری

مالیاتهای مستقیم و در صورت لزوم مالیاتهای غیرمستقیم.

۳- اصلاح امور اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح

قوانین پولی و بانکی.

۴- بهره برداری از معادن نفت کشور.

۵- اصلاح سازمانهای اداری و قوانین استخدام کشوری و قضائی.

۶- ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی و تأمین

مخارج این اصلاحات بوسیله وضع عوارض

۷- اصلاح قوانین دادگستری

۸- اصلاحات امور فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی

تصویب شده است تهیه نموده و پس از آزمایش آنها را تقدیم مجلسین

نمایند و تا موقعی که تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم‌الاجراء میباشد.

نایب رئیس - بنابر این اعلام رأی میکنیم بلایحه اختیارات دولت با توجه

باصلاحات پیشنهادی که مورد توجه شد آقایانیکه موافقت با اختیارات دولت دارند قیام

خواهند کرد (چند نفر از نمایندگان با ورقه رأی بگیریید قسمت مالی هم دارد)

نایب رئیس - لازم نیست اختیارات یک لایحه اعمی است احتیاج بورقه

نیست آقایانیکه موافقت دارند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

(در این موقع تماشاچیان کف زدند) تظاهرات لازم نیست.

پس از پیروزی قیام، ملکه مادر و اشرف - که دخالت‌های

مستقیم آنان در این ماجراهای خونین به رسوائی کشیده بود - تبعید

شدند و دقائر ویزه شاهپور ها، تعطیل شد. اما سایر عوامل خیانت‌پیشه و

توطئه‌گران و دشمنان نهضت برجای ماندند و صاحب مقام و مسئولیت

شدند و توانستند ظرف مدت کوتاهی، ضمن ایجاد اختلاف و دو دستیگی

در صفوف متحد مردم و مسئولین، از همان روز نخست پیروزی، مقدمات

اجرا و انجام کودتای ننگین مرداد سال بعد را فراهم آورند، واقعه تلخی

که آثار آن تا مدتها در جامعه باقی ماند و حکومت کرد. در واقع مصدق

آخرین نخست‌وزیری بود که با رأی تمایل مجلس، نخست وزیر شد.

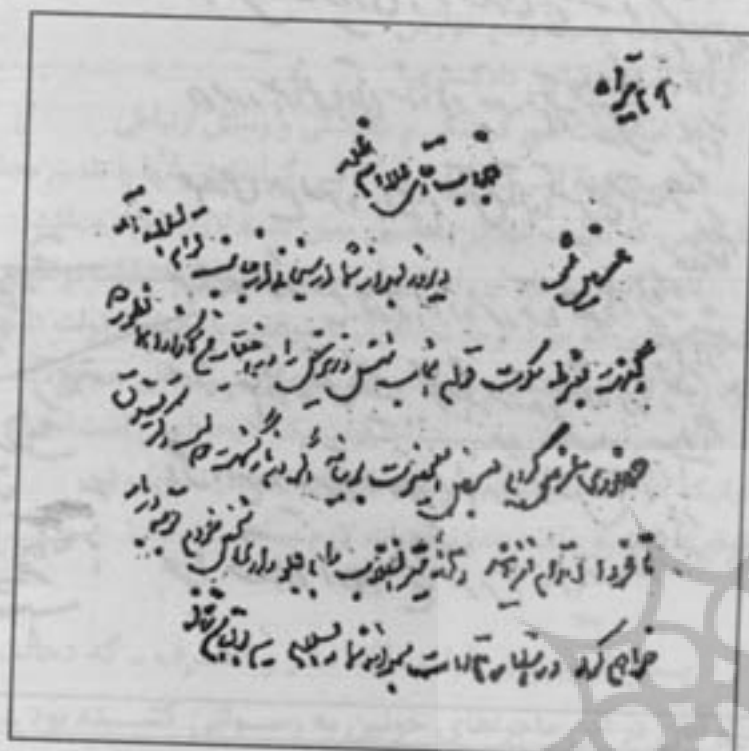
نامه آیت الله کاشانی به دکتر مصدق چند روز پس از واقعه سی تیر:

شما خردمان بهتر میدانید که من تاکنون انتصابات شما هیچگونه دخالتی نکرده و نظر مثبتی نداده و در دو بار هم ضمن اعلامیای این مطلب را بنظر عمومی رسانده‌ام. ولی بای صحت تخیر خواهی می‌نویسم آقای سرشکر دثوق مدعی ترسیم جمعی شیراکشت، صلاح نیست عداوت باشد. اقتصاد شیراکشت است. دکتر اخوی برای این کار خوب نیست و به جای آقای نصرت از امینی شخص استخوانی بکنند و اگر بنا باشد جریان بدین الی ادامه یابد، ناپاکان تهران و بلکه ایران ترک گفته و از صحنه سیاست خارج شوم...

نامه آیت الله کاشانی به دکتر مصدق چند روز پس از واقعه سی تیر

که به دلیل ضیق وقت و طولانی شدن مطلب، آن را به فرصتی دیگر وامی نهیم:

- نقش مطبوعات در حوادث پیش و پس از سی تیر
- حضور گسترده زنان در این قیام
- سی تیر در شهرستان‌ها
- عملکرد رجال و شخصیت‌های آن عصر و ...



حضرت آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر معظم دام اقباله
 عرض میشود شرحی در جرایده راجع به تصمیم حضرتعالی در خصوص تشکیل و ایجاد قانونی بنام قانون سازمان امنیت اجتماعی که ساخته و پرداخته جناب آقای دکتر شایگان است بدون اینکه با من در این خصوص مذاکره یا با دیگران مشورت و موارد ضرر و زیان یا حسن آنرا در نظر بگیرید ملاحظه کردم. گذشته از اینکه بی‌نهایت متعجب شدم فوق‌العاده از این چنین سلیقه و رفتار خام سیاسی شما در چنین وضعی که از همه طرف برای از بین بردن اجتماعات ملی و افکار پرشوری که در سر مردم است مضطرب گردیدم. تأسف من از عدم توجه حضرتعالی به اینکه در مقابل قوی‌ترین دشمنان جهانی که علم گردایم و باید پهر لحو به نتیجه مطلوب برسیم قنوت خود را در راه ضعف و ذبون کردن مردم و ملت مصرف میفرمائید.
 زبان بزرگ این قانون ناهنجار و نسنجیده در این است که اگر قدرتهای بزرگ خارجی به بدستی قدرتهای داخلی پرچم ملیت ایرانی را واژگون کنند همین قانون را بر فرق تمام ملیون این مملکت خواهند کوفت و از آنان برای سرکوبی نهضت ملی استفاده عظیم خواهند کرد و وقت هیچوقت از دست نخواهد رفت عجله نفرمائید اگر در پیشرفت مسائل و مصالح در قبال این همه قدرت مخالف موفق شدید آنوقت همه کارها بنفع مملکت میتوان کرد. این قانون به مصلحت ملت و مملکت نیست. خواهش میکنم بدون مشورت قبلی از تصویب و اجرای این قانون خودداری فرمائید و مردم و مملکت را بگرداب هلاک و نابودی نکشانید.
 ایام یکم باد سید ابوالقاسم کاشانی

جناب آقای علاء دام ظلّه
 عرض میشود، دیروز بعد از شما پرسنجانی از جانب قوام السلطنه آمد و گفت بشرط سکوت قوام انتخاب شش وزیرش را در اختیار من میگذازد. همانطور که حضوری عرض کردم بعرض اعلیحضرت رسانیدم اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام فرمایند دهانه تیز انقلاب را با جلوداری دشمن خودم متوجه دربار خواهم کرد.
 در انتظار اقدامات مجدانه شما
 والسلام سید ابوالقاسم کاشانی

پاورقی‌ها:

- ۱- گوشه گوشه‌های این قیام، سرشار از حماسه، رشادت و ایثار ملتی است که با نثار خون خود، نهال آزادی و استقلال را پاس داشتند. مثل پیکر پاک زن شهیدی در زیر تانک، شهامت و شهادت جوان بیخ فروش خیابان ملت و فداکاری جوانی که غرقه و غوطه‌ور در خون با انگشت‌های لرزان و خون خودش بر سنگفرش خیابان نوشت: «این خون زحمتکشان ایران است، زنده باد دکتر مصدق!»
- ۲- سید ابوالقاسم کاشانی فرزند آیت‌الله حاج سید مصطفی در کاشان متولد شد. برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات راهسپار گردید و درجه اجتهاد خود را از میرزای شیرازی و یکی دو نفر دیگر از علمای طراز اول دریافت کرد.
 در جنگ بین‌الملل اول که دولت عثمانی شکست خورد و امپراطوری عثمانی تجزیه گردید، آیت‌الله حاج سید مصطفی کاشانی که مرجع تقلید و از علمای مورد قبول عصر خود بود، به اتفاق بعضی دیگر از مراجع تقلید فتوای جهاد علیه انگلیسی‌ها را صادر نموده و خود همراه فرزندش سید ابوالقاسم کاشانی در جنگ با انگلیسی‌ها شرکت نمود.
 در همان جنگ آیت‌الله حاج سید مصطفی بشهادت رسید؛ ملیون بین‌النهرین (عراق) شکست خوردند و آقای کاشانی و عده‌ای دیگر به ایران تبعید گردیدند.
 ایشان در پامنار منزل موروئی سکنی گزید، در آذر ماه ۱۳۰۴ در زمرة نمایندگان مجلس مؤسسان درآمد، پس از آن به امور شرعی مردم پرداخت تا جنگ دوم جهانی درگرفت. پس از شهریور ۱۳۲۰ همواره علیه انگلیسها تبلیغ می‌نمود و با مفتی اعظم فلسطین که او هم از مخالفین سرسخت انگلیسی‌ها بود، روابطی حسنه داشت به همین بهانه متهم به همکاری با آلمانها گردید و مورد تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت. آیت‌الله کاشانی مدتی مخفی شد، ولی انگلیسی‌ها از محل اختفا خبردار شده ایشان را دستگیر نمودند. مدتها زندانی انگلیسها و در تبعید به سر برد، ولی به دلیل مقبولیت عمومی در دوره چهاردهم با آنکه در زندان بود از طرف مردم پایتخت به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. پس از خاتمه جنگ دوم آزاد شد. در دوره زمامداری قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۴ علیه قوام و انتخابات فرمایشی به مخالفت برخاست. قوام‌السلطنه او را به قزوین تبعید نمود و مانع از انتخاب ایشان گردید. پس از سقوط کابینه قوام‌السلطنه یعنی در دوره پانزدهم با معدود نمایندگان مخالف کابینه هژیر همکاری نزدیک داشت در همین زمان بود که به دکتر مصدق اعتراض و ایراد گرفت که چرا سکوت کرده گوشه‌نشینی اختیار کرده است.
 در کابینه ساعد که مسئله نفت در پشت پرده جریان داشت، آیت‌الله کاشانی اعلامیه شدیدی علیه شرکت نفت و انگلیسی‌ها صادر نمود. چند روز بعد از صدور اعلامیه مزبور وقایع ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ دانشگاه روی داد و شبانه ایشان دستگیر در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد زندانی و سپس به ترکیه تبعید گردید؛ ولی در بیروت که از هواپیما پیاده شد از رفتن به ترکیه امتناع نموده در بیروت بحال تبعید سکنی گزید تا انتخابات دوره شانزدهم پیش آمد. آیت‌الله کاشانی از تبعیدگاه نیز برای انتخاب نمایندگان اقلیت دوره پانزدهم و دکتر مصدق تبلیغ و فعالیت می‌نمود.
 در دو نوبتی که انتخابات دوره شانزدهم جریان پیدا کرد، کاشانی جزو نفرات اول منتخبین تهران بود. پس از افتتاح مجلس شانزدهم و تشکیل کابینه منصورالملک، نخست وزیر تلگرافاً از ایشان عذرخواهی نموده، مراجعت به ایران را درخواست کرد.
 هنگام ورود کاشانی به تهران از طرف جبهه ملی و اهالی پایتخت تجلیل فوق‌العاده‌ای به عمل آمد. دکتر مصدق و سایر اعضای جبهه ملی و بعضی نمایندگان دیگر

مانند خسرو قشقانی و غیره در فرودگاه از آیت‌الله کاشانی استقبال نمودند.

آیت‌الله کاشانی در تاریخ یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۲۹ در جلسه ۳۶ دوره شانزدهم در پیامی که به وسیله دکتر مصدق قرائت شد، علت توقیف و تبعید خود را توضیح می‌دهد. اینک متن پیام ایشان به نقل از صورت مشروح مذاکرات:

« رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده‌اند: آقای مکی بفرماید.

مکی - بنده نوبتم را به جناب آقای دکتر مصدق واگذار می‌کنم.

رئیس - جناب آقای دکتر مصدق.

دکتر مصدق - حضرت آیت‌الله کاشانی پیامی داده‌اند (کشاورز صدر - بلندتر بفرمایید) که بنده پیام ایشان را به عرض آقایان محترم می‌رسانم: بسم‌الله الرحمن الرحیم شانزده ماه پیش اینجانب را برخلاف حق و قانون بدون تقصیر و محاکمه با وضع فجیعی که حتی در حکومت‌های جابر استبدادی هم کمتر سابقه دارد، شبانه تبعید کردند و چون باعث تأثر هر شنونده است، نمی‌خواهم عملیات وحشیانه مشتی جاسوسان بیگانه را در آن شب شرح دهم.

اگر این ظلم عظیم و ستمکاری بی‌نظیر مبتنی بر علل شخصی بوده و به حقوق ملت ایران بستگی نداشت ابتدا درصدد اظهار آن بر نمی‌آمدم، ولی از آنجا که تبعید اینجانب مطلقاً جنبه شخصی نداشته و صرفاً برای ارباب مردم و انصراف ملت ایران از مطالبه حقوق مقصوبه خود و تهیه مقدمات حکومت استبدادی و خودسری و سلب آزادی که شرع مقدس و قانون اساسی برای عموم ملت ایران شناخته است، بعمل آمده، ناچارم علل تبعید خود را به وسیله مجلس شورای ملی بسمع ملت ایران و ملل آزاده جهان برسانم. وقتی که مسئله نفت مطرح شد وظیفه دینی و ملی خود دانستم که نظر ملت ایران را در باب مظالم شرکت نفت و حقوق مقصوبه ملت ایران در طی اعلامیه‌ای منتشر کنم، و جداً استیفای حقوق از دست رفته آنها را بخواهم و مخالفت مردم را با هر قرارداد یا عملی که مشعر بر تثبیت و تأیید عقد اکراهی غیرنافذ سنه ۱۳۱۲ شمسی مطابق با سال ۱۹۳۳ میلادی باشد، اظهار نمایم؛ از طرف دیگر چون بیگانگان و عمال داخلی آنها برای تأمین اغراض خائنانه خود محتاج به اقدامات مقدماتی و بزمنه سازه‌های خطرناک منجمله تغییر قانون اساسی بودند و از علاقه شدید ملت ایران به قانون اساسی و عقاید اینجانب در این باب مطلع بودند، می‌خواستند بهر بهانه‌ای که باشد این امکان تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی مرا از ایران دور کنند، زیرا مطمئن بودند که با وجود اینجانب در مملکت مشکل است به آسانی بتوان بوسیله مجلس ساختگی و بی‌اساسی که روح ملت ایران هم از آن بیزار و مصنوع دشمنان ملک و ملت است بتوانند قانون اساسی یعنی خونیهای رادمردان و آزادیخواهان ایران را پایمال کنند.

توضیح واضح - نمایندگان محترم مجلس شورای ملی مستحضرنند تا زمانی که ملت ایران بتواند آزادانه اظهار عقیده کند، مجلس شورای ملی تحت فشار و شکنجه عمال اجنبی که ناچار باید لباس دیکتاتوری بر تن کنند، قرار نخواهد گرفت و عرق اسلامیت و ایرانیّت نخواهد گذارد که هیچ فردی از افراد این مملکت بضرر ملت خود قدمی بردارد.

به این مناسبت اجانب بهتر و مؤثرترین وسائل پیشرفت مقاصد شوم خود را در علم کردن یک فرد مطلق‌العنان می‌دانند که بدست او مشروطیت دموکراسی را تعطیل و به حقوق که شرع و قانون برای مردم واجب و محترم شناخته پشت پا زده و اغراض فاسده خود را بر مردمی که از نعمت آزادی محروم شده‌اند، تحمیل نماید. برای اجتناب از طول کلام خلاصه مطالب را در چند جمله بیان می‌کنیم:

اعلامیه‌های اینجانب یکی علیه غصب حقوق ملت ایران از طرف شرکت نفت و اعمال دسائس متنوع و رنگارنگ و دیگر علیه تغییر قانون اساسی و خطمشی مستمره اینجانب در مبارزه بازور و قلدری و بی‌اعتنائی به قوانین عمومی مملکت و لجام گسیختگی طبقه حاکمه و مزدور عقیده و نظریه اینجانب را بالصراحه روشن ساخته و محلی برای هیچگونه ابهامی باقی نگذاشته و مردم ایران را از نیت اینجانب مستحضر نموده، ملت ایران عموماً و مردم تهران خصوصاً که تردیدی در ثبات عقیده و نیت این جانب نداشته‌اند، هر وقت فرصت بدست آورده‌اند جداً از عقاید این جانب پشتیبانی کرده و در مبارزات اجتماعی تأیید نموده‌اند.

چنانکه خطر نمایندگان مستحضر است، زمانی که در تبعید بسر می‌بردم با انتخاب اینجانب یکبار به نمایندگی سنا و دوبار به نمایندگی مجلس شورای ملی و هم با تظاهر و تمایلی که در ورود اینجانب به تهران از خود ابراز کردند، نشان دادند، که زبان اینجانب زبان ملت ایران است و آنچه گفته و نوشته‌ام و هر عمل اجتماعی که بدان اقدام کرده‌ام به نمایندگی آنها و به تبعیت از افکار و عقاید آنها است.

اکنون نیز بنا به تکلیف دینی و ملی و وظیفه اجتماعی بار دیگر به وسیله مجلس شورای ملی عقاید ملت ایران را در چند جمله به سمع عالمین می‌رسانم. اولاً - نفت ایران متعلق به ملت ایران است و بهر ترتیبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می‌کند و قرارداد غیرقانونی که به اکراه و اجبار تحمیل شود، هیچ نوع ارزش قضائی ندارد و نمی‌تواند ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کند.

ثانیاً - مجازات کسانی را که برخلاف قانون و عدالت و بدون هیچ گناه باعث تبعید اینجانب و کسانی که با کشتن فخر آرائی مانع کشف دسیسه خائنین و ستمکاران شده با رعایت مقررات قوانین عمومی تحت نظر و مراقبت عده‌ای از وکلای محترم مجلس خواستارم.

ثالثاً - ملت ایران مشروطیت را با خون خود گرفته و زیربار استبداد و دیکتاتوری نمی‌رود و البته با خون خود هم از آن دفاع خواهد کرد.

رابعاً - مجلس مؤسسان با کیفیتی که همه از جریان انتخابات آن مبسوقتند که چگونه بازور سرنیزه صورت گرفته اعتبار و اثری ندارد.

والسلام علی من اتبع الهدی.

سید ابوالقاسم کاشانی

روزنامه معروف لوموند چاپ پاریس در آن زمان درباره آیت‌الله کاشانی چنین می‌نویسد:

«نام آیت‌الله کاشانی پیشوای سیاسی و مذهبی ایران امروز نه تنها در ممالک اسلامی بلکه در تمام دنیا مشهور شد و هرکس که کمی وارد در سیاست جهان باشد، این نام را شنیده است؛ ولی خیلی پیش از اینها، یعنی ایامی که نام کاشانی به گوش کسی نخورده بود، انتلیجنس سرویس و وزارت خارجه انگلیس می‌دانستند که این مرد مقتدر روزی بلای جان آنها خواهد شد.»

در پرونده‌های انتلیجنس سرویس (اداره جاسوسی انگلیس) و فورین آفیس وزارت خارجه انگلیس راجع به پیشوای بزرگ مذهبی ایران چنین نوشته‌اند: «آیت‌الله کاشانی، قائد مذهبی ایران، که از اخلاف پیغمبر اسلام است، در سال ۱۸۸۹ در کاشان بدینا آمده است. پدرش «حاج سید مصطفی» هم از پیشوایان مذهبی بود که علیه سیاست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مبارزه می‌کرد و در نتیجه این مبارزه بقتل رسید.

این قتل اولین عامل مؤثر در حیات سیاسی کاشانی بود که او را کم‌کم یک محرک و مبلغ خطرناک و آشتی‌ناپذیر با انگلستان نمود. این عنصر ترسناک و غیرقابل تطمیع فعالیت‌های خود را در عراق و سوریه و لبنان و ایران توسعه داد. در سال ۱۹۴۰ با مفتی اعظم فلسطین و آلمانها تشریک مساعی نمود و در نتیجه این فعالیتها در سال ۱۹۴۱ در تهران دستگیر گردید.»

در سال ۱۹۴۵ با آنکه تبعیدی و در خارج از ایران بود، بقدری محبوبیت داشت که از تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به تهران برگشت و پس از یک توقیف دیگر مجدداً انتخاب شد، ولی هرگز در جلسات مجلس شرکت نکرد.

۳- رئیس جمهور وقت هند در این باره می‌گوید: «ملی شدن نفت ایران، فصلی از بیداری ملل آسیاست.»

۴- رزم‌آرا نخست وزیر دست نشاندۀ وقت در مجلس گفته بود: «ایرانی عرضه لوله‌نگ ساختن را ندارد، چطور می‌تواند نفت را اداره کند.»

۵- به شهادت اسناد مکتوب نه تنها شاه و وابستگان به او و دربار و عوامل شناخته و ناشناخته انگلیس با این خواست و تقاضای مردم مخالف بودند، بلکه بسیاری از صاحبان جراید و مرتبطین با حزب توده نیز - که در آن ایام فعالیت‌های گسترده‌ای داشت - علیرغم شعارهای ضدامپریالیستی، رسماً در مقابل اقدامات نمایندگان نهضت ملی در مجلس و دکتر مصدق موضع‌گیری مخالف داشتند.

۶- کتاب «تحلیلی از مبارزات ملت ایران...» - مقدمه صفحه ۷.

۷- استیضاح کابینه حکیمی در مجلس پانزدهم بر سر مسائل نفت، نمونه کاملی از وقوف مردم ایران به حقوق طبیعی خود بود و ملت ایران با پشتیبانی صمیمانه از نمایندگان اقلیت در این دوره، در واقع دست رد به سینه کمپانی گذاشت.

۸- افشاگری‌ها در داخل و خارج کشور در خصوص قرارداد مذکور، آن را در ایران و دنیا بی‌اعتبار و رسوا ساخت، اطلاعاتیه شدیدالحن آقای کاشانی علیه شرکت نفت انگلیس و ارائه و تقدیم طرح الغاء قرارداد از سوی تعدادی از نمایندگان به مجلس، شرایط را برای لغو امتیاز فراهم آورده بود. در چنین وضعیت بحرانی برای امپریالیسم، آنها با کمک ایادی خود و به منظور تغییر شرایط، حادثه ۱۵ بهمن دانشگاه (تیراندازی به شاه) را تدارک دیدند. در این توطئه چه شاه کشته می‌شد چه نجات پیدا می‌کرد، منافع انگلیس تأمین بود. مطابق اسناد و قرائن موجود، رزم‌آرا - رئیس ستاد ارتش - زمام امور را بدست می‌گرفت و شرایط را برای آنها مهیا می‌کرد، چنین نشد اما شاه و دربار و ... از این حادثه سوء استفاده کرده به سرکوب آزادی‌خواهان پرداختند. آیت‌الله کاشانی با وضعیت اهانت‌آمیزی شبانه دستگیر و بعد به لبنان تبعید شد. حزب توده غیرقانونی اعلام، بسیاری از جراید توقیف و مجلس فرمایشی مؤسسان تشکیل و قانون اساسی را به نفع شاه تغییر داد.

۹- حسین مکی در جلد دوم کتاب سیاه خود آورده است: «مخصوصاً در مجلس نمایندگانی نظیر مهندس رضوی، عباس اسکندری، غلامحسین رحیمیان و حائری‌زاده مطالبی دربارهٔ تعدیات شرکت نفت گفته بودند. بعلاوه نگارنده نیز طرح الغای قرارداد امتیازی شرکت نفت انگلیس و ایران را تهیه و به امضای یازده نفر رسانیده بود و فقط چهار امضای دیگر لازم داشت تا قابل طرح در جلسه علنی باشد که مصادف با واقعه ۱۵ بهمن دانشگاه گردید. این واقعه تمام جریانات مملکتی را تحت الشعاع خود قرار داد و ناگهان اختناق و حکومت پلیسی شدیدی حکمفرما شد. آیت‌الله کاشانی که در خارج از مجلس علمدار مبارزه با انگلیسی‌ها و شرکت نفت بود با وضع فجیعی دستگیر و زندانی و به لبنان تبعید گردید. حکومت نظامی تسمه از گردۀ همه کشیده، بیش از صد روزنامه و مجله توقیف گردید. حائری‌زاده و من دربارهٔ بی‌قانونی‌ها و توقیف آیت‌الله کاشانی و توقیف جراید، دولت ساعد را استیضاح کردیم ولی برخلاف اصل مسلم قانون اساسی، دولت از دادن پاسخ مدتها طفره رفت و برای جواب حاضر نشد.

۱۰- بخشهایی از:

لایحه الحاقی گلشائین - کس که بمجلس شورای ملی دوره پانزدهم ارائه گردید بتاريخ ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸

مجلس شورای ملی

در اجرای قانون سیم مهر ماه ۱۳۲۶ و در نتیجه مذاکرت مفصلی که در ظرف هشت ماه اخیر بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران بعمل آمده و موافقت‌هایی نسبت به تغییرات بعضی از مواد امتیازنامه بین دولت شاهنشاهی و شرکت مزبور حاصل گردیده و اینک متن موافقت‌نامه که بصورت قرارداد الحاقی ضمیمه قرارداد اصلی خواهد بود بضمیمه ماده واحده زیر بقید یک فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می‌گردد:

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد الحاقی را که مشتمل بر یازده ماده است و جزء قانون اعطاء امتیاز نفت شرکت نفت ایران و انگلیس محدود می‌باشد تصویب و بدولت اجازه مبادله آنرا می‌دهد.

نخست وزیر

وزیر دارائی

محمد ساعد

گلشائین

قرارداد الحاقی بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود تهران، مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹ برابر با ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸

نظر بقرارداد (که در این قرارداد، قرارداد اصلی نامیده می‌شود) منعقدۀ در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که بموجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر باینکه متعاقب مذاکرت کامل و دوستانه دولت و کمپانی موافقت نموده‌اند که بملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی بدولت تعلق می‌گیرد بایستی به میزان و بترتیب آتی الذکر افزایش یابد.

این قرارداد قرارداد الحاقی است و جزء لاینفک قرارداد اصلی محسوب می‌شود. برای سال مسیحی که به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ منتهی گردیده و از آن به بعد میزان حق‌الامتیاز سالیانه بموجب جزء (I - الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بدولت تعلق می‌گیرد از چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود ترقی داده خواهد شد.

در اجرای تغییر مقرر در بند الف ماده ۳ این قرارداد بطور عطف بمسابق که شامل سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ می‌گردد و با منظور داشتن مقررات جزء (V - الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی کمپانی در ظرف ۳۰ روز از تاریخ اجرای این قرارداد مبلغ سه میلیون و سیصد و شصت و چهار هزار و چهار صد و پنجاه و نه لیره استرلینگ (۳,۳۴۶,۴۵۹ لیره استرلینگ) بدولت خواهد پرداخت.

چنانچه بابت هر دوره مالی که برای آن حسابهای کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود (از تاریخ دوره مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ به بعد) تنظیم شده جمع مبلغی که کمپانی باید طبق بند الف ماده ۴ قرارداد فعلی و جزء (I - ب) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بدولت بپردازد احياناً از چهار میلیون لیره استرلینگ (۴,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) را بدولت خواهد پرداخت.

معیناً مقرر است که چنانکه در طی یکی از دوره‌های مالی مذکور کمپانی بر اثر حوادثی که خارج از اختیار او باشد نتواند نفت از ایران صادر نماید از میزان مبلغی که کمپانی باید بابت چنین دوره طبق مقررات سابق الذکر جزء (ب فرعی) قرارداد فعلی بدولت بپردازد باید مبلغی کسر گردد که نسبت آن با میزان مبلغ سابق الذکر همان نسبتی را دارا باشد که بین مدت این تعطیل و دوره مالی مذکور وجود دارد.

هرگاه موقعی یکی از طرفین تصور نماید که قیمت‌های رومانی و یا قیمت‌های خلیج مکزیک دیگر مبنای مناسبی برای تعیین «قیمت‌های اساسی» نمی‌باشد قیمت‌های اساسی با توافق طرفین و در صورت عدم توافق طبق ماده ۲۲ از طریق حکمیت تعیین خواهد شد «قیمت‌های اساسی» که باین نحو تعیین می‌گردد بوسیله موافقتی که با تبادل نامه بین دولت (که صلاحیت لازم برای موافقت مزبور دارد) و کمپانی بعمل خواهد آمد برای طرفین لازم‌الرعايه خواهد بود.

ب - از تاریخ اول ژوئن ۱۹۴۹ بهانی که کمپانی بنزین و نفت و مازوت محصول نفت ایران را بمصرف کنندگان غیر از دولت برای مصرف داخلی ایران خواهد فروخت عبارت

خواهد بود از «قیمتهای اساسی» با کسر بیست و پنج درصد (۲۵ درصد) بجای کسر ده درصد (۱۰ درصد) که در بند (ب) ماده ۱۹ قرارداد اصلی پیش‌بینی شده است.
ماده ۹- در مقابل پرداخت مبالغ مزبور از طرف کمپانی دولت و کمپانی موافقت می‌نمایند که کلیه تعهداتی که یکی از آنها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ نسبت به دیگری در مورد بند (I الف) و بند (I ب) ماده ۱۰ و نسبت به ماده ۱۱ قرارداد اصلی و همچنین آنچه مربوط به «ذخیره عمومی» می‌باشد کاملاً انجام یافته است.
ماده ۱۰- با رعایت مقررات این قرارداد مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱- این قرارداد بعد از تصویب مجلس شورای ملی و از تاریخ صحنه ملوکانه به موقع اجراء گذاشته خواهد شد دولت متعهد می‌شود که این قرارداد را هرچه زودتر ممکن شود برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم دارد.

تهران به تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۳۹- ۲۶ تیر ماه ۱۳۲۸

۱۱- حسین مکی در جلد اول کتاب سیاه در این باره می‌نویسد: «علت اینکه دولت وقت، این قرارداد را در آخرین روزهای عمر دوره تقنینیه تقدیم کرده این بود که تصویب آن از طرف نمایندگان در گرو انتخاب دوره شانزدهم نمایندگان نگاهداشته باشد تا هریک از نمایندگان بدان رأی مثبت دهند در دوره بعد انتخاب شوند و اگر رأی منفی دهند از انتخاب آنها جلوگیری نمایند.»

۱۲- دکتر مصدق - دکتر شایگان - دکتر بقایی - حسین مکی - نریمان - الهیار صالح - حائری‌زاده و عبدالغدير آزاد.

۱۳- به ضمیمه توجه شود.

۱۴- اسامی ۱۸ نفر اعضاء کمیسیون مخصوص نفت:

رئیس - دکتر مصدق

نایب رئیس اول - میرسیدعلی بهبهانی

نایب رئیس دوم - جواد گنجه‌ای

مخبر - سید حسین مکی

منشی - خسرو قشقائی

منشی - دکتر حسن علوی

جواد عامری

ناصر ذوالفقاری

دکتر کاسمی

۱۵- بخش مختصری از:

قرارداد ۱۹۳۳

موافقت نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود منعقد در تهران بتاريخ آوریل ۱۹۳۳ مقدمه

به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی بجای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام نکس دارسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمپانی نفت انگلیسی و ایران محدود آنرا قبول می‌نماید.

روابط طرفین مذکور در فوق در آتیه برطبق این قرارداد خواهد بود.

ماده اول

دولت بر طبق مقررات این امتیاز حق الغیر تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اعطاء می‌کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران به کمپانی حق غیرانحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آنرا اعطاء می‌نماید.

ماده دوم

الف - حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه‌ای که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه‌ای که طرفین امضاء کرده و متضمّن بقرار داد است رسم شده است.

ب - کمپانی باید متّهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق یک یا چندین قطعه زمین را بهر شکلی و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می‌داند انتخاب نماید.

مجموع سطح یک یا چند قطعه که انتخاب شده نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی (۱۰۰,۰۰۰ میل مربع) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است با یک هزار و ششصد و نه متر.

ماده سوم

کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله‌های حمل نفت را خواهد داشت. کمپانی در تعیین محل سیر لوله‌های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است.

ماده چهارم

الف - هر زمین بایر متعلق بدولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً بکمپانی واگذار خواهد شد. ...

ماده ششم

الف - کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیاتهای معموله حین ورود را بپردازد.

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوص حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریضخانه‌ها و مطب‌های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اجناس مذکوره در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.

ج - بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت ...

۱۶- توده‌های مردم در اثر درج و انتشار اخبار، تحلیل‌ها و مقالات آتشین و تندى در روزنامه‌های مترقى آن ایام (باختر امروز - جبهه آزادی - شاهد ...) به هیجان آمده و در

تمامی نقاط کشور خواهان ملی شدن صنعت نفت و تصویب لایحه ارائه شده - که نمایندگان در تصویب آن تردید داشتند - شده بودند.
۱۷- به نقل از مشروح مذاکرات جلسه ۱۲۶-۱۱/۱۷/۱۳۲۹: خاطر آقایان نمایندگان محترم از واقعه ناگوار دیروز قتل مرحوم مغفور رزم آرا نخست وزیر مطلع شده است یقین دارم تمام آقایان از این عمل زشت که ترویز باشد کمال انزجار را دارند. (صحیح است - صحیح است) تأسف و تأثر خود و نمایندگان را در این حادثه اظهار می دارم و از درگاه خداوند می خواهم که روح آن مرحوم را غریق رحمت خود فرماید. (انشاءالله)

۱۸- اگر به روزنامه ها و جراید آن ایام (در داخل و خارج کشور) توجه شود، اهمیت و ابعاد بین المللی این حوادث و تحلیل مفسران غرب و شرق، دوست و دشمن، همسایه و دور را وضوح می توان دریافت، در این پژوهش دو نکته بسیار بارزتر می نماید، یکی میزان نزدیکی و یا دوری کشورهای همسایه و غیر آن با ملت ایران و دیگری وحشت و اضطراب استعمارگران. متأسفانه فرصت طرح این مسائل بیش از این در این مقاله نیست.

۱۹- متن طرح پیشنهادی ارائه شده:

به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که صنعت نفت در سراسر کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت ایران قرار گیرد. دکتر مصدق / دکتر سید علی شایگان / دکتر مظفر بقایی / ابوالحسن خائری زاده / اللهیار صالح / سید حسین مکی / محمود نریمان / عبدالقدیر آزاد / میرسید علی بهبهانی / عبدالرحمن فرامرزی / کشاورز صدر / عباس اسلامی.

۲۰- چهره حقیقی مصدق / دکتر حسن آیت، ص ۱۴۸.

۲۱- به شهادت تمامی اسناد مکتوب و کتب تألیفی، از ادمردان و آزادزان ایرانی در همان حالی که از تنگناهای مالی بشدت در مضیقه و به نان شب خود محتاج بودند با فروختن لوازم منزل و وسایل زندگی محقرانه خود، میلیونها تومان اوراق قرضه ملی را خریداری کردند.

۲۲- حزب توده با برپایی تظاهرات غیرقانونی و راه انداختن آشوب و بلوا و غوغا سالاری، مجال اقدامات اصولی را از دولت سلب می کرد و توان نیروهای ملی را در دولت و مجلس برای مقابله با توطئه ها و تحریکات انگلیس و عمال آن، تحلیل می برد و فرصت های مناسبی را در اختیار دشمنان قرار می داد. دکتر مصدق در جلسه علنی در تاریخ ۱۳۳۰/۶/۱۷ می گوید: «اگر شما بفرمائید که در جاهای مؤثر عمال دولت انگلیس نیستند، هیچ کس از شما این مطلب را قبول نمی کند، عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دربار و بالاخره در همه جا وجود دارد.»

۲۳- پروفسور رولن دفاع ایران را در این دادگاه برعهده داشت و دکتر کریم سنجابی قاضی اختصاصی ایران بود.

۲۴- در مورد این شخص باید به کتاب های مفصل رجوع گردد. اجمالاً برادر وثوق الدوله عاقد قرارداد ننگین و استعماری ۱۹۱۹، قاتل مجاهدین صدر مشروطیت و قاتل کلنل محمدتقی خان پسپان، منشی مخصوص عین الدوله ... بود.

۲۵- مجله تایم در یکی از شماره های اواخر آبان ماه ۱۳۳۰ خود مقاله ای دارد تحت عنوان: «جانشین دکتر مصدق کیست؟» که حکایت از تصمیم و فعالیت شدید انگلیسی ها در برانداختن دولت مصدق و روی کار آوردن قوام دارد. امری که چندی بعد اتفاق افتاد ولی ملت در روز سی ام تیر با تقدیم شهادی مانع از توفیق آنها شد اما سال بعد با کودتای سیاه، نقشه های دشمنان ملت عملی گردید!

۲۶- حسین مکی در کتاب وقایع سی ام تیر (۱۳۳۱) می نویسد: «پس از مسافرت دکتر مصدق به امریکا، مخالفین با این تصور که فعلاً از شش نفر نمایندگان جبهه ملی، سه نفر (اللهیار صالح رئیس هیئت مختلط، دکتر بقایی و دکتر شایگان) همراه نخست وزیر هستند و اکنون سه نفر دیگر (خائری زاده، مکی و نریمان) در مجلس هستند که آنها هم از حضور متین دفتری در هیئت اعزامی، به مصدق معترضند، بهتر است دست به کار حمله به دولت شوند و برنامه مخالفت و سقوط دولت را فراهم آورند ... بنابراین وقایع دانشگاه را بهانه قرار داده و ...»

۲۷- در همان ایام روزنامه لوپاریزن چاپ فرانسه این خبر را منتشر کرده بود: «هر چه مراجعت دکتر مصدق (از امریکا) نزدیک تر می شود، فعالیت مخالفین دولت در تهران توسعه می یابد. بطوری که گفته می شود زمینه برای ساقط کردن دولت در فاصله مراجعت دکتر مصدق تا شروع انتخابات فراهم شده است، کسی که بیشتر از همه برای نخست وزیری فعالیت می کند قوام السلطنه است ولی تعداد طرفداران جدی او در مجلس فعلاً بیش از پانزده نفر نیست» نقل از کتاب وقایع سی ام تیر مکی، ص ۵۷.

۲۸- فعالیت های مادر، برادران و خواهران شاه، به ویژه اشرف و خود شاه در مخالفت با مصدق در تمامی دوران زمامداری او، نقلی محافل داخلی و خارجی بود و این مخالفت ها (به خصوص از سوی اشرف) به جراید نیز کشیده شده بود.

۲۹- در جلد چهارم کتاب سیاه / مکی، این گزارش بطور کامل درج گردیده است.

۳۰- متن استیضاح:

ریاست محترم مجلس شورای ملی، امضاکنندگان دولت آقای دکتر مصدق را نسبت به مواد زیر استیضاح می کنیم: ۱- تخلف از قوانین کشور ۲- سلب آزادی و امنیت از افراد ملت ۳- سوء سیاست اقتصادی ۴- عدم مراعات احترام مجلس شورای ملی (جمال امامی - دولتشاهی - سستندجی - تیمورتاش - پالیزی - قاسم فولادوند - غضنفری - پناهی و ...)

۳۱- در چنین هنگامه ای که نمایندگان نهضت ملی در مجلس، در اقلیت شکننده ای قرار داشتند و صف بندی های انجام گرفته در دور اول رأی گیری برای انتخاب رئیس (بنا به نقل از صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه ۳۱/۴/۷ - عده حاضر ۷۳ نفر، امام جمعه (دکتر سید حسن امامی، وکیل تحصیلی مهاباد و عضو فراماسونری) ۳۳ رأی، دکتر معظمی ۲۷ رأی، دکتر شایگان ۱۶ رأی) بوضوح وضعیت را تبیین می کرد، متأسفانه باز هم بر سیاست مدبرانه ای برای دور دوم انتخابات رئیس، توافق نشد و این امر (اهمال نمایندگان) مورد اعتراض نخست وزیر نیز قرار گرفت.

۳۲- در جلسه دوم مجلس (با ریاست دکتر امامی، امام جمعه تهران)، تلگرافات و طومارهای متعددی از سوی اقشار مختلف مردم سراسر کشور در حمایت از دکتر مصدق، به وسیله نمایندگان به مجلس ارائه گردید. گفته ها و تذکرات نمایندگان دال بر تعطیلی عمومی بازار و کارخانه ها در بعضی شهرهای مختلف، حکایت از دقت نظر مردم در ممانعت از توطئه های تدارک دیده شده علیه دولت وقت بود. این اسناد در آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و ... موجود است. و شکایت های مکرر دکتر مصدق از اشرف (و دیگر وابستگان شاه) در ملاقات های او با شخص شاه و افراد مورد وثوق دربار مؤید این امر است و در این راه چندبار نیز تا مرحله استعفا پیش رفت. شاه خود نیز با مصدق مشکل داشت و اصرار زیادی برای برکناری و عزل او، در دیدار با نمایندگان جبهه ملی نیز ابراز تمایل کرده بود که حکومت دست آنها باشد اما مصدق نباشد. (به نقل از کتاب «وقایع سی ام تیر» مکی / ص ۹۸)

۳۳- برای روشن تر شدن نقش اشرف و ملکه مادر در روی کار آمدن قوام و استعفای مصدق به مجموعه مقالاتی که در مجله خواندنی ها به قلم علی اصغر امیرانی از شماره ۸۷ سال ۳۱ به بعد نوشته شده (یعنی دوران زمامداری مجدد مصدق) رجوع شود.

۳۴- دو هفته قبل از حادثه سنی تیر، روزنامه منچستر گاردین نوشت: «... در جریان هفته آینده ما شاهد حوادث مهمی در ایران خواهیم بود... سرنوشت حکومت مصدق هم در همین هفته ها معلوم خواهد شد و پس از آن می توان گفت سرنوشت ایران چه خواهد شد...». در همان ایام، بیست روز قبل از واقعه سنی تیر روزنامه فرانسوی «پاری پرسی»

در شماره ۵ ژوئیه ضمن بحث درباره کاندیداهای نخست وزیری نوشت: «انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها بیشتر از همه به قوام‌السلطنه معتقدند زیرا به عقیده دیپلماتهای انگلیسی پس از سقوط مصدق فقط یک مرد قوی مانند قوام‌السلطنه می‌تواند آتش احساسات مردم را فرو نشاند و با دول غرب سازش کند...» مطالب این دو روزنامه در همان ایام در جراید کشور منعکس گردید اما مانند اغلب پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها در زمان خودش جلب توجه سیاستمداران را نکرد!

۳۵- نایب رئیس سنا، نظر سنا توره‌ها را این چنین به شاه منعکس کرد: «برای احتراز از پیشامد هر اختلاف نظری در مورد ابراز رأی تمایل در این مورد بخصوص تقاضا می‌شود مقام سلطنت فرمان ملوکانه را صادر فرمایند و کابینه تشکیل و معرفی گردد تا مجلس سنا نظر قطعی خود را پس از دقت در برنامه دولت اعلام دارد».

۳۶- متن لایحه مذکور چنین بود: «برای اصلاح امور کشور مدت ۶ ماه به آقای دکتر مصدق اختیار داده می‌شود تا در امور مالی، اقتصادی، پولی و بانکی، سازمان‌های اداری، مقررات مختلف استخدای، قوانین قضایی، ایجاد و اصلاح سازمان‌های محلی آنچه لازم و ضروری بدانند اقدام نمایند».

۳۷- در برخی از مقالات، تحلیل‌ها و کتاب‌های چاپ شده درباره قیام سی تیر، برخی مخالفان (و یا حتی دشمنان) مصدق اصرار وی بر تصدی وزارت جنگ را یک مانور فرعی برای بهانه‌گیری و ترک خدمت در بهترین وضعیت دانسته‌اند و علت اصلی را مخالفت ضمنی مجلس هفدهم با تفویض اختیارات ویژه به او می‌دانند. ارسنجانی که در دوره چند روزه نخست وزیری قوام، معاون او محسوب می‌شد و در کابینه‌های بعدی به وزارت هم رسید، در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «دکتر مصدق چون وضع را در مجلس هفدهم متزلزل دید و با تقاضای اختیارات او مخالفت شد با زرنگی خاصی که از مختصات خود اوست ظاهراً با تشکیل دولت موافقت کرده و بعد موضوع وزارت جنگ را بهانه استعفا می‌بخشید و قرار داده است تا موضوع عدم رضایت مجلس در مورد اختیارات و مخالفت مجلس سنا لوٹ شود و عنوان استعفا می‌باشد و وسیله‌ای برای تحریک احساسات عمومی باشد...»

۳۸- ارسنجانی در خاطرات این روز می‌نویسد: «مصدق تا ساعت دو و نیم بعدازظهر شرفیاب بود و می‌گویند ناهار را همان‌جا صرف کرد...»
۳۹- بخشی از متن استعفا که خیلی مختصر تنظیم شده بود به نقل از مجله خواندنی‌ها: «... چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده، پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند، با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد».

۴۰- در بخش‌هایی از این اطلاعیه آمده بود: «... به همان اندازه که از عوام فریبی در امور سیاسی بیزارم در مسائل مذهبی نیز از ریا و سالوس منزجرم، کسانی که به بهانه مبارزه با افراطیون سرخ، ارتجاع سیاه را تقویت نموده‌اند لطمه شدیدی به آزادی وارد ساخته زحمات باتیان مشروطیت را از نیم قرن به این طرف بهدر داده‌اند. من در عین احترام به تعالیم مذهب اسلام، دیانت را از سیاست دور نگه خواهم داشت... وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلاص نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را برهم زنند اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل از طرف من روبرو خواهند شد... به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است. کشتیبان را سیاستی دگر پدید آمد (برگرفته از کتاب قیام ملت مسلمان ایران / دکتر محمود کاشانی)

۴۱- صفحات ۱۵۸ و ۱۵۹ مدافعات دکتر بقایی در دادگاه تجدیدنظر نظامی در سال ۱۳۴۰ ه.ش
۴۲- حسین علاء همان روز پنجشنبه دوبار با ایشان ملاقات داشت.

۴۳- مشار، دکتر شایگان، حاج سید جوادی و کریمی نمایندگان منتخب برای ملاقات بودند.

۴۴- متن تلگراف: «علحضرتا: مردم ایران را به جرم وطن‌پرستی و نهضت ضدبیگانه، بعضی از افراد ارتش و مأمورین، پاره پاره می‌کنند. در سراسر مملکت عده زیادی مردان شرافتمند و غیور به زندان تسلیم شده‌اند. چندین نفر مردان ملی را در معابر عمومی شهید کرده‌اند. تا این ساعت این جریان قانون‌شکنانه و ناگوار ادامه دارد. مسلم است که این اعمال ناهنجار عواقب وخیم دربر خواهد داشت. ما نمایندگان ملت با توکل به خداوند و استفاده کامل از کلیه حقوق خود برای دفاع از مردم قیام کرده‌ایم و... (با امضاء ۲۸ نفر نمایندگان نهضت ملی)

۴۵- آقای دکتر شروین که ناظر این تماس‌ها و ملاقات‌ها بود در شماره ۱۰۰۳، ۵۸/۱/۲۷ امید ایران می‌نویسد: «در این ایام آیتا... کاشانی در منزل آقای حسن گرامی (یکی از دامادهاشان) واقع در خیابان گرگان اقامت داشت و بوسیله سربازان مسلح و توپ و تانک محصور بود. در همین خلال آقای دکتر علی امینی به ملاقات آیتا... کاشانی آمده و اظهار کرد که آقای قوام پیغام داده که چون به زودی فرمان نخست‌وزیری را خواهم گرفت، وزرای مورد اعتمادتان را معرفی فرمائید... عصر همان روز دوباره آقای امینی به دیدار آیتا... کاشانی آمده و همان پیشنهاد را تکرار می‌کند... آیتا... کاشانی با بیانی جدی تر گفتند که سخن همان است که گفته‌ام تا آقای دکتر مصدق زنده است هیچکس نباید نخست وزیر باشد».

۴۶- متن نامه آقای کاشانی به علاء: «دیروز بعد از شما آقای ارسنجانی از جانب قوام السلطنه آمد و گفت: بشرط سکوت، قوام انتخاب ۶ وزیرش را در اختیار من می‌گذارد. همان طور که حضوری عرض کردم به عرض اعلیحضرت برسانید اگر در بازگشت دولت مصدق تا فردا اقدام نفرمایند، دهانه تیر انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد. در انتظار اقدامات مجدانه شما و السلام»

۴۷- روزنامه شاهد ش ۷۰۸ (۳۱/۴/۲۹) - روزنامه باختر امروز ش ۸۶۶ (۳۱/۴/۲۹).

۴۸- از متن اعلامیه مجمع مسلمانان مجاهد، روزنامه شاهد ۲۸ تیر ۱۳۳۱.

۴۹- مصاحبه مفصل آقای کاشانی، روزنامه باختر امروز ش ۸۶۷ سه‌شنبه ۱۳۳۱/۴/۳۱.

۵۰- متن اطلاعیه: «ملت رشید ایران! چون ممکن است در تعطیل عمومی فردا که بنا به تقاضای اینجانبان انجام می‌گیرد، دشمنان ایران بخواهند از ابراز احساسات ملی هموطنان عزیز سوء استفاده نمایند، تمنا داریم با کمال متانت و آرامش بدون تجمع و تظاهر واجتناب از هر گونه تصادم با مأمورین انتظامی، بار دیگر رشد ملی خود را به جهانیان ثابت فرمایند با توسل به خداوند متعال» انگجی - اخگر - مهندس رضوی - زیرک‌زاده - شاهپوری - دکتر شایگان - صفائی - قنات آبادی - خسرو قشقایی - محمدحسین قشقایی - کریمی - دکتر معظمی - میلانی - مدرس - مشار - فرزانه - نریمان - مکی.

۵۱- این جلسه به ابتکار فرماندار نظامی تشکیل و به استناد اخبار مثلاً دریافتی از فعالیت‌های توده‌ای‌ها، نمایندگان نهضت را چنان از «عناصر اخلاک‌گر» و «دشمنان ایران» ترسانند که به صدور این اطلاعیه راضی شدند. در واقع این توطئه قوام بود که می‌خواست در میلیون این توهم شکل گیرد که اگر مردم در روز سی تیر تظاهرات کنند استفاده را توده‌ای خواهند برد.

۵۲- جراید آن ایام هریک به شرح بخش‌هایی از حوادث و وقایع این روز پرداخته‌اند که هر کدام گوشه‌هایی از این نهضت را روشن می‌سازد. بخشی از وقایع روز سی تیر را خبرنگار پارلمانی روزنامه اطلاعات که آن هنگام در مجلس (بهارستان) حضور داشت از وقایع و حوادث مقابل مجلس گزارش نمود که در شماره ۷۸۶۳ آن روزنامه درج گردیده است. مجله خواندنی‌ها در زیر عنوان «خبرهایی از میدان جنگ تهران» گزارش‌هایی از وقایع سی تیر را در شماره ۹۵ خود (مورخ شنبه چهارم مرداد ماه) چاپ کرده است.

در کتاب «شهادت سیم‌ام تیر ماه به قلم احمد جعفری علی‌زاده» تحت عنوان «بر تازی از میدان جنگ تهران» که بوسیله یکی از افراد سازمان علمی و هنری مرجان از روی موج ۵۷۰، کلیه مخابرات ستاد ارتش و فرستنده‌های سیار فرماندار نظامی گرفته شده، گزارشی از وقایع این روز را ضبط کرده است. در این کتاب چگونگی قیام

در قم، قزوین، شیراز، اصفهان، کرمانشاه، اهواز، آبادان و ... هم آمده است.

روزنامه باختر امروز در شماره ۸۶۸ و ۸۶۷ (مورخ ۴/۳۱) تحت عنوان «تهران در محاصره سرباز و پاسبان» شرح نسبتاً کامل‌تری از وقایع را ثبت کرده و به دلیل حضور مکی و فاطمی (صاحب امتیاز و نویسنده اصلی روزنامه) در متن جریانات و بخصوص وقایع پارلمانی آن روز، حاوی نکات دقیق‌تر و منحصر به فردی است.

۵۳. ... یک افسر ژاندارم پیش از ورود آقایان [عده‌ای از سران جبهه ملی که در آن هنگام به ملاقات با شاه رفته بودند] اطلاع داد که در شهر جبهه ملی شایع کرده‌اند که قوام السلطنه استعفا کرده و دکتر معظمی نخست وزیر شده است و همه‌جا شعار زنده باد دکتر معظمی شنیده می‌شود... یادداشت‌های ارسنجانی صص ۶۴ و ۶۷.

۵۴. باختر امروز اول مرداد ۱۳۳۱.

۵۵. در بخش پایانی این پیام آمده است: «... به فرد فرد شما اطمینان می‌دهم که تا این روح همکاری و همدردی و مبارزه را حفظ کرده و نظم و ترتیب در مبارزه را ملحوظ و منظور دارید توفیق نجات نصیب شما خواهد بود و خواهید توانست دست حریف حيله‌گر را کاملاً از سرنوشت و مقدرات خود برای همیشه کوتاه نمایید...»

۵۶. بخش‌هایی از رأی دیوان: «دیوان نمی‌تواند این نظر را قبول کند که قرارداد منعقد میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس دارای خصوصیات دوگانه است. این قرارداد چیزی بیش از یک قرارداد میان یک دولت و یک شرکت خارجی نیست. دولت انگلیس طرف این قرارداد نمی‌باشد. هیچ قرارداد ضمنی بین دولت ایران و دولت انگلستان وجود ندارد... دولت ایران راجع به امتیاز جدید هیچ تعهدی و هیچ قولی به انگلستان نداد و صرف اینکه قرارداد امتیاز به اطلاع شورای (سازمان ملل) رسید و در دستور کار شورا ثبت شد، ماهیت آن را عوض نمی‌کند و آن را تبدیل به عهدنامه‌ای که دولت ایران را در صورت توافق در مقابل دیوان نسبت به دولت انگلستان ملزم بدارد، نمی‌کند».

۵۷. متن اعلامیه آقای کاشانی: «پس از سلام به عموم برادران عزیز دینی و ملت رشید و پرافتخار ایران، اکنون که دادگاه بین‌المللی لاهه با توجه به فعالیت ایران علیه شکایت دولت استعماری انگلستان با تصدیق عدم صلاحیت خود، رأی داده است، لازم می‌دانم از عموم برادران عزیز تقاضا نمایم که امشب بشکرانه این موفقیت که به عنایت پروردگار و استعانت بی‌نظیر شما به دست آمده، جشن عمومی برقرار نمایند».

۵۸. مجلس روز دوشنبه، ضمن تصویب قیام سسی تیر به عنوان قیام مقدس ملی، قوام را مفسد فی الارض شناخت و قانون تعقیب و مجازات و مصادره اموال قوام را تصویب کرد.

۵۹. این موضوع هم در بیانیه‌ای که آقای کاشانی برای تشکیل مجلس ترحیم شهدای قیام صادر گردید به صراحت اشاره شد و هم در قطعنامه پایانی همین مجلس ترحیم به این بیان منعکس شد: ملت ایران تقاضا دارد هر چه زودتر محکمه انقلابی تشکیل و نمایندگان ملت و اصناف و پیشه‌وران، حکام و قضات آن محکمه باشند و کلیه مجرمین در این محکمه، محکوم و به دار آویخته شوند. فردای سسی تیر برخی روزنامه‌ها از جمله روزنامه شاهد با حروف درشت اعدام قوام السلطنه‌ها، ارسنجانی‌ها، اسکندری‌ها را خواستار شده بودند.

۶۰. دکتر فاطمی در ۳۲/۲/۶ و در جمع خبرنگاران به مناسبت آغاز سومین سال زمامداری دکتر مصدق: «... دو سال پرخاش‌های بود، دو سالی که حتی یک ساعت و یک روز دولت مصدق از تحریکات و کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های سیاسی که نیم قرن است ملت محروم ما را غارت کرده، ایمن نبود...»

منابع:

- ۱- مجله خواندنی‌ها، سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱.
- ۲- چهره حقیقی مصدق السلطنه و یادداشت‌های سیاسی حسن ارسنجانی / حسن آیت. - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۳- یادداشت‌های سیاسی / حسن ارسنجانی. - تهران: هیرمند، ۱۳۶۶.
- ۴- اسنادی از قیام سسی تیر ۱۳۳۱ / تهیه و تنظیم مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ به کوشش روح... بهرامی. - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
- ۵- مرداد خاموش، خرداد خودجوش: [مصدق، خاتمی و تاریخ] / بهرام افراشیایی. - تهران: بهرام افراشیایی، ۱۳۷۹.
- ۶- تحلیلی از مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر مصدق: ملی شدن صنعت نفت، حماسه قیام ملی سسی تیر حکومت دکتر مصدق - تهران: جبهه ملی ایران، حزب ایران [۱۳۵۷].
- ۷- سالهای بحران: خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقائی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲ / به تصحیح و کوشش مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. - تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۳۱.
- ۸- قیام ملت مسلمان ایران ۳۰ تیر ۱۳۳۱ / از محمود کاشانی. - [بی‌جا]: خوشه، ۱۳۵۹.
- ۹- وقایع سسی تیر ۱۳۳۱ / تألیف حسین مکی. تهران: انتشارات ایران، ۱۳۶۹.

پژوهشگران برای تکمیل اطلاعات خود در این خصوص می‌توانند به مقالات ذیل نیز مراجعه نمایند:

- ۱- امجد، محمد. درباره دلیل اصلی استعفای مصدق در واقعه سسی تیر. سیمرغ (امریکا). ۱ (۱۳۶۷/۹)، ش. ۱۱ (۵۷-۵۴).
- ۲- خامه‌ای، انور. قیام ۳۰ تیر و سه سند محرمانه. ایران فردا. سال ۷، ش. ۵۴ (مرداد ۱۳۷۷): ۳۰-۳۱.
- ۳- خامه‌ای، انور. سسی تیر، قیام ملت ایران. آدینه. ش. ۱۲۸ (مرداد ۱۳۷۷): ۱۶.
- ۴- رسولی پور، مرتضی. قیام سسی تیر ۱۳۳۱ (از زبان حسن گرامی). تاریخ معاصر ایران، سال ۹، ش. ۴۳ (تابستان ۱۳۸۴): ۱۴۳-۱۵۲.
- ۵- سالمی، حسن. پنجاهمین سالگرد سسی تیر ۱۳۳۱. تاریخ معاصر ایران. سال ۷، ش. ۶۲ (تابستان ۱۳۸۲): ۹-۲۵.
- ۶- شاه حسینی، حسین. روایتی از قیام سسی تیر. ایران فردا. ش. ۷۲ (مهر ۱۳۷۵): ۳۰-۳۳.
- ۷- طاهباز، سیروس. ۳۰ تیر ۱۳۳۱ یک قیام، یک حماسه و یک سرود. کلک، ش. ۸۵-۸۸ (تیر ۱۳۷۶): ۲۳۱-۲۳۸.
- ۸- کاتوزیان، همایون. دلیل اصلی استعفای مصدق در واقعه سسی تیر. سیمرغ (لوس آنجلس) - ۱ (۱۳۶۷/۹)، ش. ۷: ۸۸-۹۴.
- ۹- گلشنی، اسماعیل. خاطره‌ای از قیام ملی ۳۰ تیرماه سال ۱۳۳۱ شمسی در رشت. گیل سو، ش. ۱ (بهار ۱۳۷۲): ۱۲۵-۱۳۳.
- ۱۰- میرزاده، وحید. ۳۰ تیر، روز ایستادگی ملت، ایران فردا. سال ۷، ش. ۵۴ (مرداد ۱۳۷۷): ص ۲۷-۲۹.